

تهدید گسترش جنگ در خاورمیانه و نقش تاریخی مردم ایران!

صفحه ۲



قیمت کالاها و دستمزد

برگرفته از مجموعه آثار مارکس، کار مزدی و سرمایه
ترجمه: کاظم نیکخواه، صفحه ۵

گرانی نان در بیش از ده استان و گرانترا شدن اقلام اساسی زندگی مردم
گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه رویدادها در کانال جدید، صفحه ۳

اعتراضات کارگران رسمی و ارکان ثالث و پیمانی نفت گسترده تر میشود صفحه ۴

گسترش اعتراضات، پاسخ به حکومت اعدام - مهران مجبی صفحه ۸

ترور و جنگ؛ و در ضرورت سازماندهی اعتراضات و رهبری انقلاب
یاشار سهندی صفحه ۱۰

اعتصابات گسترده پرستاران در بیمارستانهای مختلف ادامه دارد صفحه ۹

اعتصابات سراسری پرستاران در شهرهای مختلف ادامه دارد صفحه ۱۷

اعتصابات سراسری پرستاران در شیراز و بیانیه خواستها و مطالبات آنان صفحه ۱۷

ادامه اعتصاب کارگران واگن پارس اراک صفحه ۱۹

کارگران واگن پارس اراک به اعتصاب و اعتراضات خود ادامه میدهند صفحه ۱۲

از سرگیری اعتراضات گسترده کارگران ارکان ثالث و شرکتی در پالایشگاههای پارس جنوبی
صفحه ۱۲

کارزار جهانی علیه اعدام و در حمایت از شریفه محمدی و پخشانی عزیز صفحه ۱۸

تجمع بخشهای مختلف بازنشستگان در کرمانشاه، بازنشستگان ۱۴۰۲ در تهران و بازنشستگان سی
در کرمان صفحه ۱۹

از مدیای اجتماعی:

پاسخ ما به قتل و خشونت در زندانها و خیابان تا چوبه های دار، نه به آپارتاید جنسیتی، صفحه ۱۸
اعتصاب غذای مریم مهرابی و احضار اسماعیل گرامی، صفحه ۲۰
نه به اعدام، پاسخ متحد ما علیه حکومت کشتار، صفحه ۲۰

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۴۴

۲۲ مرداد ۱۴۰۳

۱۲ اوت ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

قاتلان رضا رسایی را راحت

نخواهیم گذاشت!

صفحه ۲

خیابانهای اراک زیر پای

کارگران واگن پارس

شهلا دانشفر، صفحه ۷

فاشیسم جمهوری اسلامی

علیه مهاجرین افغانستانی را

در هم بشکنیم! صفحه ۱۴

کارگران در هفته ای که

گذشت

تنظیم کننده کارگر

کمونیست، صفحه ۱۳

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۵

اخباری از اعتراضات

کارگری صفحه ۱۱



قاتلان رضای را راحت نخواهیم گذاشت!

رضا رسایی، جوان ۳۴ ساله و از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی را حکومت آدمکش اسلامی پس از حدود دو سال زندان و شکنجه، سحرگاه امروز ۱۶ مرداد در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه به دار آویخت. ننگ و نفرت بر حکومت منفور اسلامی! رضا رسایی را به مباشرت در قتل عمد نادر بیرامی، رئیس اطلاعات سپاه پاسداران شهرستان صحنه متهم کردند، زیر شکنجه از او اعتراف گرفتند و مهر ماه سال قبل به اعدام محکوم کردند و امروز این حکم وحشیانه را بدون اطلاع قبلی به خانواده و بدون ملاقات آخر با خانواده اجرائی کردند. قاتلان از ترس اینکه آرامگاه او به محل تجمع و بزرگداشت توسط مردم تبدیل شود اجازه ندادند در صحنه، شهر محل زندگی خانواده‌اش، دفن شود. رضا در قبرستان دور افتاده میناآباد کرمانشاه با حضور تعدادی مامور امنیتی و بدون اینکه به مردم اجازه حضور پیدا کنند به خاک سپرده شد.

در فضای جنگی میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل و در فضای پس از انتخابات کذابی که شکست بزرگی برای حاکمین اسلامی بود و در حالیکه حکومت بشدت نگران برآمد اعتراضات سراسری است، تلاش میکند توجه مردم را به تنش با اسرائیل سوق بدهد و از طرفی اعدام و سرکوب را گسترش دهد و برای خود زمان بخرد. این سیاست را باید ناکام گذاشت. نباید اجازه بدهیم فضای جنگی میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل، فضای اعتراضی مان را تحت الشعاع قرار دهد. مبارزه علیه اعدام و حکومت اعدام را باید با تمام قوا در داخل و خارج کشور گسترش دهیم.

زندانیان سیاسی زن در اوین چندی پیش فریاد زدند: "تا لغو حکم اعدام ایستاده‌ایم تا پایان، نه سرکوب نه اعدام دیگر اثر ندارد، جمهوری اعدامی یک خواب خوش ندارد". بازنشستگان نیز در خیابان‌های شهرهای مختلف بارها با فریاد "زندان شکنجه اعدام نیست جلودار ما" فریاد خود را علیه اعدام بلند کرده‌اند. این شعارها را

همه جا، در همه تجمعات، در همه بیانیه‌ها و فراخوان‌ها فریاد بزیم و اعلام کنیم که با تمام قوا علیه سایر احکام اعدام از جمله احکام اعدام شریفه محمدی و پخشان رضایی می‌ایستیم و جنبش علیه اعدام را هرچه بیشتر تقویت میکنیم. زندانیان در ۱۹ زندان به سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام پیوسته‌اند.

یاد رضا رسایی عزیز را گرامی میداریم و مبارزه علیه اعدام و حکومت اعدام را گسترش میدهیم. در روزهای ۱۰ و ۱۱ اوت، روزهای جهانی جهانی علیه اعدام که توسط دانشجویان اعلام شده و تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری، کارزار جهانی علیه اعدام، شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، شبکه ندا و برخی دیگر از تشکل‌ها نیز فراخوان‌های مشابهی برای تجمعات این دو روز منتشر کرده‌اند را در نقاط مختلف جهان هر چه گسترده‌تر به میدان می‌آییم و هزینه اعدام را برای حکومت قاتلان اسلامی بیشتر می‌کنیم. اعدام قتل عمد حکومتی است و همراه با حکومت اعدامی باید به گورستان تاریخ سپرده شود.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۶ مرداد ۱۴۰۳، ۶ اوت ۲۰۲۴

تهدید گسترش جنگ در خاورمیانه و نقش تاریخی مردم ایران!

تهدیدآمیز در خاورمیانه، مردم ایران قرار دارند که در نبردی گسترده و هر روزه با جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری و رفاه و امنیت بسر می‌برند. وضعیت ملت‌هت و نامعلوم کنونی و ادامه تهدیدات جنگی مستقیماً در خدمت جمهوری اسلامی قرار دارد. جمهوری اسلامی البته بخوبی می‌داند که به ویژه در شرایطی که مردم برای سرنگونی آن کمین کرده‌اند، توان مقابله نظامی با اسرائیل و حامی آن آمریکا را ندارد و سعی می‌کند از آن احتراز جوید. اما ادامه کنترل شده جنگ نیابتی با اسرائیل و آمریکا را یک رکن بقاء، وجهی از هویت ایدئولوژیکی و حفظ اقتدار و نفوذ خود در منطقه و همچنین یک سیاست کلان امنیتی در مقابله با مردم ایران می‌داند.

پایان دادن به این سیاست ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی که یک عامل اصلی بوجود آورنده اوضاع کنونی منطقه است، کار مردم ایران است. تا وقتی جمهوری اسلامی بر سرکار است این وضعیت کج‌دار و مریز فعلی می‌تواند ادامه پیدا کند و در هر بزنگاهی می‌تواند به اوضاعی بمراتب وخیم‌تر و مخاطره‌آمیزتر نیز تحول پیدا کند.

مردم ایران با گسترش مبارزات خود در همه عرصه‌ها اولاً نباید به رژیم اسلامی اجازه دهند که به بهانه جنگ و تهدیدات جنگی مبارزات آنها را به عقب براند و خواسته‌ها و مطالبات آنها را بی‌جواب بگذارد، ثانیاً با تضعیف رژیم اسلامی و تحکیم و تقویت صفوف خود و نزدیک‌تر شدن به سرنگونی جمهوری اسلامی به راه حل نهایی این اوضاع یعنی فرستادن جمهوری اسلامی به گورستان تاریخ دست می‌یابند. مردم ایران با این کار نه فقط خود را راه می‌کنند بلکه کمک بسیار بزرگی به رهایی مردمان کشورهای مختلف منطقه خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۶ مرداد ۱۴۰۳، ۶ اوت ۲۰۲۴

ترور هفته گذشته رهبران ارشد حماس و حزب‌الله در تهران و بیروت توسط اسرائیل و بدنبال آن رجزخوانی‌های جنگی جمهوری اسلامی، کل منطقه خاورمیانه را در وحشت خطر جنگی گسترده‌تر و غیر قابل کنترل فرو برده است. این در حالی است که جنگ اسرائیل و حماس با کشتار وحشیانه مردم غزه ادامه دارد و وارد یازدهمین ماه خود میشود.

سران جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان در چند روز اخیر مکرراً اسرائیل را به "انتقام سخت" تهدید کرده‌اند و از سوی دیگر نتانیاهو و ارتش اسرائیل نیز هربار بر پاسخی فوری و نابود کننده تاکید کرده‌اند. آمریکا نیروهای بازم بیشتر برای دفاع از اسرائیل و نیروهای خود به منطقه اعزام کرده است و کشورهای گوناگون اتباع خود را به ترک لبنان و منطقه فرامی‌خوانند.

گرچه میتوان گفت که هیچ طرفی خواهان گسترش جنگ نیست و حتی فعالیت‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها در منطقه و تلاش برای از سرگیری مذاکره برای توافق آتش‌بس در غزه جریان دارد، اما با اینهمه همه ناظران پاسخ رژیم اسلامی ایران و حزب‌الله تحت فرمانش به ترورهای هفته گذشته اسرائیل را حیثیتی و ناگزیر می‌دانند و اکنون نگران ابعاد این پاسخ‌ها هستند. جمهوری اسلامی در موقعیتی نیست که قادر به درگیری نظامی درازمدت و جنگی تمام عیار علیه اسرائیل بشود. اما حتی جنگ محدود و کنترل شده دو طرف نیز که هر چند وقت یکبار دارد تکرار میشود، فضای ناامنی را بر مردم ایران و کشورهای دیگر منطقه حاکم کرده است.

حکومت تلاش میکند تا با دامن زدن به تنش نظامی و گفتمان جنگ با اسرائیل جنگ واقعی مردم علیه حکومت خود، یعنی جنبش انقلابی زن زندگی آزادی، را تحت الشعاع قرار دهد و از چنین فضائی برای تغییر صورت مساله از انقلاب به جنگ و تشدید سرکوب و اعدام در ایران سود جوید. در واقع مرکز این وضعیت تیره و

گرانی نان در بیش از ده استان و گرانتر شدن اقلام اساسی زندگی مردم

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه رویدادها در کانال جدید



مردم روبرویم. میدانیم بنا بر قانون

بازار وقتی قیمت کالایی گران میشود زنجیره‌ی بر روی قیمت دیگر اجنای و افزایش آنها تاثیر مستقیم می‌گذارد. مسکن، درمان و تحصیل گرانی میشود و می‌بینیم که چیزی در سفره مردم باقی نمانده است. اکنون حکومت با طرح گران کردن نان آخرین لقمه سفره مردم را می‌خواهد به سرقت ببرد. این تعرض معیشتی بدون شک ابعاد فاجعه‌بار تری بر فقر و فلاکت مردم خواهد داد. رژیمی که چیزی جز فقر و فلاکت و گرانی و نکیت برای مردم ندارد.

میشم عتیق: فکر نمی‌کنید که با گران کردن نان جمهوری اسلامی دارد با دم شیر بازی میکند. می‌دانیم که نان در زندگی مردم خیلی حیاتی است و سنتا و تاریخا نان جایگاه ویژه‌ای در رژیم غذایی ایرانیان دارد و به نوعی کف هرم غذایی مردم است. و وقتی مردم واقعا چیزی برای خوردن نداشته باشند، شکم خودشان را با نان سیر ننگه میدارند. شما فکر میکنید دست بردن حکومت به این مساله و بیست و پنج درصد افزایش ناگهانی قیمت نان چه تاثیری میتواند بر زندگی اقشار فرودست جامعه بگذارد؟

شهلا دانشفر: روشن است که این بازی با آتش است. رژیم با این سیاست فلاکت بیشتری را به مردم تحمیل میکند و از آغاز اسسال همین نوارا سر دادند و همواره هم دارند همان سیاست را به پیش می‌برند. گرانی نان و رشد روز افزون قیمت کالاهای معیشتی مردم یعنی نابودی بیشتر زندگی و معیشت مردم و گسترده تر شدن دامنه فقر و فلاکت در جامعه، یعنی گرسنگی مطلق بخش عظیمی از جامعه، یعنی بی‌خانمانی بیشتر و خارج ماندن کودکانی بیشتر از چرخه تحصیل و یعنی تشدید همه مصائبی که امروز مردم بخاطر فقر و محرومیت با آن درگیرند و بخاطر آن در اعتراضند. گرانتر شدن قیمت نان این قلم اساسی معیشتی مردم بر خشم و نفرت مردم و اعتراضات مردمی بیشتر دامن می‌زند. بویژه اینکه جامعه ایران جامعه‌ای نیست که بخاطر فقر و این وضعیت نابسامان دست روی دست بگذارد و متاصل شود. مردم مطالبه‌گرند و ما می‌بینیم که چگونه فضای انقلابی در جامعه حاکم است. همین الان که من و شما داریم در مورد گرانی نان صحبت میکنیم فوج جمعیت معترض کارگران واگن پارس در خیابان‌های اراک در اعتراضند. اعتراضات گسترده پرستاران در شهرهای مختلف بر سر معیشت و مطالبات اعلام شده شان جریان دارد. بخش‌های مختلف بازنشستگان در کنار یکدیگر در شهرهای مختلف علیه فقر و فساد و بی‌تامینی در روزهای مختلف هفته تجمعات اعتراضی شان را دارند و با فریاد شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" کل جامعه را به اعتراض متحدانه در دفاع از زندگی و معیشتشان فرا میخوانند. در نفت نیز اعتراضات گسترده است و

میشم عتیق: رسانه‌های دولتی از افزایش ۲۵ درصدی قیمت نان حداقل در ده شهر در سطح کشور خبر میدهند. مهدی جعفری معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار خراسان جنوبی گفت افزایش قیمت نان در برخی نانوایی‌ها تا ۲۵ درصد نرخ کنونی مصوب شد و بعد از تایید وزارت کشور در استان اجرایی خواهد شد. او با اشاره به اینکه این طرح قرار است در ده استان دیگر نیز اجرایی شود، گفت که اصلاح قیمت نان از اواخر سال گذشته در دستور کار بود و قیمت کارشناسی نان بر اساس آنالیزها تعیین شده است. به نظر میرسد که مقامات حکومتی دارند به نوعی منت یارانه فعلی را که روی قیمت نان هست، به دوش مردم ایران می‌گذارند. تا جاییکه به تازگی محمد جلال مشاور وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی گفته ۷۵ تا ۸۰ درصد نرخ نان را دولت تامین میکند و مردم فقط پانزده تا بیست درصد قیمت تمام شده را می‌پردازند. در این بین معاون وزارت و بازرسی اداره کل صنعت معدن و تجارت استان کردستان هم یک تصویر روشتری از اینکه قرار است چه اتفاقی بیفتد و قیمت‌ها چگونه افزایش پیدا کند ارائه داد. از جمله اینکه نان لواش ماشینی ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان افزایش می‌یابد. نان سنگک سنتی ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان افزایش خواهد داشت. قیمت نان سنگک ماشینی ۸۸۰ تومان، بربری سنتی ۳۷۵ تومان و تافتون سنتی ۱۷۵ تومان افزایش می‌یابد. همانطور که ملاحظه میکنید ۲۵ درصدی که برای افزایش قیمت نان اعلام شده است، متوسط این افزایش قیمت است و در برخی نانها قیمت با رقم‌های بالاتری یعنی تا حدود ۴۰ درصد نیز دارد افزایش می‌یابد. در رابطه با این موضوع با شهلا دانشفر دبیر کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری می‌خواهیم صحبتی داشته باشیم.

شهلا دانشفر افزایش دوباره قیمت نان آن هم در بدترین شرایط اقتصادی مردم؛ به نظر شما علت این افزایش چیست و حکومت از این طرح جدید چه هدفی را دنبال می‌کند؟

شهلا دانشفر: اولین مساله اقتصاد بحران زده و فلج جمهوری اسلامی است. این حکومت هم از نظر اقتصادی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر فرهنگی و از هر نظر شکست خورده است. یک حکومت مافیایی، دزد و چپاولگر که برای بقای خودش و برای پروار کردن نیروهای سرکوبش همواره مردم را می‌دوشد. بحران اقتصادی این حکومت همانطور که همیشه تاکید کرده ایم کاملا ریشه سیاسی دارد. ما دیدیم که بعد از کشته شدن اسماعیل هنیه این تروریست جنایتکار چگونه نرخ ارزش ریال پایین آمد و بورس سقوط کرد و قیمت کالاها یکباره افزایش پیدا کرد. آتش افروزی‌های حکومت در منطقه و از طرف دیگر محاصره آن در حلقه اعتراضات مردمی برای دفاع از زندگی و معیشتشان وضعیت بی‌ثبات تر اقتصاد جمهوری اسلامی و فروپاشی آن را بدنال داشته است. در این میان جمهوری اسلامی از یکسو تلاش میکند توجه جامعه را که از اعتراض می‌جوشد به مسائلی چون تبلیغات جنگی علیه اسرائیل و غیره بکشاند و از سوی دیگر بار بحران اقتصادی اش و هزینه‌های سرکوبگرها و سیاستهای تروریستی خود را بر گرده مردم سوار کند. البته موضوع گرانی‌ها جدید نیست. شما در جریان هستید که اخیرا اعلام شد که ۴۸۵ قلم از کالاهای معیشتی مردم از دایره ارز ترجیحی خارج می‌مانند. خود حکومتیان در جریان نراغهایشان اعلام کردند که این افزایش پنجاه درصدی قیمت‌ها را در پی خواهد داشت. و دیدیم که متعاقب آن قیمت اجناس بیشتری گران تر شدند. الان هم همانطور که اشاره کردید موضوع بر سر گرانی نان این قلم اساسی زندگی مردم است. و ما امروز با گرانتر شدن قیمت نان، برق، گاز، آب و اساسی‌ترین اقلام معیشتی



باید وسیعا به این تجمعات پیوست و از اعتراضات آنها پشتیبانی کرد. بازنشستگان راه تجمعات اعتراضی خیابانی را مقابل جامعه گذاشته اند. پاسخ مردم فریاد خواسته‌هایشان و دفاع همه جانبه و متحد از معیشتشان است. این مبارزات دو وجه دارد یکی وجه خواسته‌ها و مطالبات که سراسری است و باید حول آن جمع شدند و با قدرت اتحاد مبارزاتی و سازمانیابی مبارزاتمان آنها را به پیش ببریم. وجه دیگر آن عقب زدن متحدانه سرکوبگری‌های حکومت است. حال اگر این سرکوبگری‌ها تحت عنوان حجاب صورت می‌گیرد، یا بصورت صدور احکام اعدام جلو می‌آید تا جامعه را عقب بزند و یا در اشکال پرونده سازی‌های امنیتی و احضار و زندان جلو می‌آید، در هر شکلی باید عقب زده شود و راه آن مبارزه متحد مردم و تشکل و سازمانیابی اعتراضات است. جواب تعرض را باید با تعرض و اعتراضات گسترده و سراسری داد. بیانیه‌هایی چون منشور خواسته‌های حداقلی بیست تشکل و یا خواسته‌های پیشرو زنان پلاتفرم‌های خوبی برای اتحاد مبارزاتی کل جامعه در این مبارزات است و باید دور آنها متحد شد. شرایط تاریخی حساسی است. موقعیت جمهوری اسلامی بسیار بسیار شکننده است. دیدیم همین ترور اسماعیل هنیه چه ضربه سنگینی به حکومت زد. در این شرایط میشود قدرتمند جلو آمد و میشود جمهوری اسلامی را عقب زد. این تنها راه مقابله ما مردم با حکومت فقر و نکبت جمهوری اسلامی است. و می‌بینیم که جامعه هم دارد در همین راستا قدم بر میدارد.

میشم عتیق: سپاس از شما شهلا دانشفر دبیر کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری ایران

گرانی نان در بیش از ده استان و ...

از صفحه ۳

اعتصابات هزاران کارگران نفت ادامه دارد. در این شرایط حکومت تنها ابزاری که برایش مانده است اعدام و سرکوب است و ما می‌بینیم که یک جنبش ملی، اجتماعی در برابر آن شکل گرفته است. جنبشی قدرتمند که بخش‌های مختلف مردم در آن درگیرند و یکسر آن در زندانها و سر دیگرش در اقصاء نقاط جهان است و کارزاری جهانی علیه اعدام‌ها شکل گرفته است. این جنگی است که مردم با این حکومت دارند و برای حکومت معیشت جامعه مهم نیست. مهم نیست که مردم گرسنه اند. بلکه حکومت میخواهد هزینه سرکوبش و هزینه تروریسم اسلامی اش و دار و دسته‌های مزدورش را تامین کند و این هدف حکومت است. برای اینکه حکومت چشم اندازی برای آینده خودش ندارد. میداند که رفتنی است. میداند که جامعه کجا ایستاده است و به این قیمت دارد برای خودش روز می‌خورد. در تقابل با این وضعیت مردم نیز هر روز بیشتر صف اعتراض خود را آرایش میدهند.

میشم عتیق: تورم و گرانی کالاهای اساسی دارد ارقام جدیدی را به ثبت می‌رساند. این روند تا به کجا می‌تواند ادامه داشته باشد و در مقابله با این روند چه می‌توان کرد؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردم خودشان در آمار و ارقامشان دارند می‌گویند که قیمت اقلام معیشتی مردم پنجاه درصد افزایش خواهد داشت. و می‌بینید سنگ روی سنگ بنا نیست و حکومت هر روز دارد تعرض بیشتری به معیشت مردم وارد میکند. ما می‌بینیم که قیمت همه کالاها افزایش می‌یابد اما مزد کارگر قیمتش نه تنها تغییری نمی‌کند بلکه همان را هم بموقع نمی‌پردازند. و تعلقات مزدی را هم در بسیاری از مراکز کاری کاهش داده اند و این تعرض وسیع و همه جانبه است. اشاره کردم که این وضعیت بر خشم و اعتراض مردم بیشتر دامن می‌زند. این ادعای من نیست بلکه جامعه دارد از اعتراض می‌جوشد و بیانگر این حقیقت است. مردم با شعارهای اعتراضی خود، با تجمعاتشان و با فراخوانهای اعتراضی‌شان و به اشکال مختلف مبارزاتی فریادشان بلند است. من فکر میکنم در این شرایط پاسخ مردم گسترده شدن این اعتراضات است. پاسخ مردم اتحاد سراسری مبارزاتی آن‌ها حول خواسته‌های رادیکال و انسانی‌شان و عقب زدن متحدانه تعرضات حکومت است. وقتی بازنشسته فریاد می‌زند و می‌گوید "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید"

اعتراضات کارگران رسمی و ارکان ثالث و پیمانی نفت گسترده تر میشود



در این هفته گستردگی بیشتری داشت. همچنین اعتصاب کارگران پروژه ای نفت برای مطالبات خود از جمله حذف پیمانکاران و چهارده روز کار و چهارده روز استراحت و افزایش حقوق مطابق لیست درخواستی‌شان و دیگر مطالبات معیشتی آنها از جمله شرایط جهنمی کار در گرمای سوزان تابستانی ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از مبارزات کارگران در نفت همه بخش‌های کارگری و مردم را به حمایت به هر شکل ممکن و وسیع از مبارزات این کارگران و بازتاب دادن صدای آنها فرا می‌خواند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران

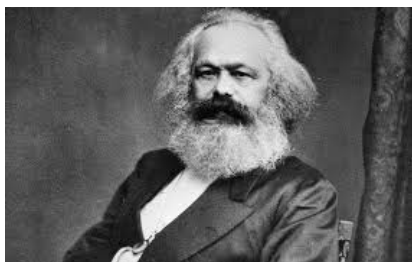
۲۰ مرداد ۱۴۰۳، ۱۰ اوت ۲۰۲۴

اعتراضات کارگران رسمی نفت گسترش یافته است. امروز بیستم مرداد ماه طبق گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران رسمی نفت در اعتراضی هماهنگ برای پیگیری مطالبات اعلام شده خود در سکوهای مختلف نفتی تجمع داشتند. این اعتراضات از سوی کارگران رسمی نفت در عسلویه در شرکت نفت و گاز پارس در سایت یک و شرکت نفت و گاز پارس، سکوهای SPD13B&13C، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲) برگزار شدند.

اهم مطالبات کارگران رسمی که سراسری هستند عبارتند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه‌ی مشاغل عملیاتی و بازرگری اساسنامه‌ی تحمیلی صندوق بازنشستگی.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت حمایت خود را از اعتراضات بخش‌های مختلف کارگران در نفت اعلام کرده است.

گفتنی است که علاوه بر کارگران رسمی نفت اعتراضات کارگران ارکان ثالث نیز



قیمت کالاها و دستمزد

برگرفته از مجموعه آثار مارکس، کار مزدی و سرمایه

ترجمه: کاظم نیکخواه

توضیح مترجم: در بخش قبلی (کارگر کمونیست شماره...) ترجمه بحثی از مارکس در مورد دستمزد را ارائه دادیم که به روشنی توضیح میداد که نیروی کار یک کالا است و دستمزد، در واقع قیمت این کالا است. بنابراین سوالی که پیش روی ما قرار گرفت این بود که اگر دستمزد، قیمت کالایی به نام نیروی کار است، پس قیمت کالا چگونه تعیین میشود؟ در نوشته ای که ملاحظه میکنید، مارکس این سوال را موشکافی میکند و نهایتاً نشان میدهد که دستمزد چگونه تعیین میشود:

قیمت یک کالا با چه چیزی تعیین می شود؟

با رقابت بین خریداران و فروشندگان، با رابطه تقاضا با عرضه، با ارائه و قیمت پیشنهادی. رقابتی که در آن قیمت یک کالا تعیین می شود سه جانبه است. هر کالای واحدی توسط فروشندگان مختلف برای فروش عرضه می شود. هر کس کالاهایی با همان کیفیت را ارزان تر بفروشد، مطمئناً فروشندگان دیگر را از میدان بیرون می کشد و بزرگترین بازار را برای خود تضمین می کند. بنابراین فروشندگان برای فروش، برای بازار، با یکدیگر می جنگند. هر یک از آنها مایل است بفروشد، و تا حد امکان بفروشد، و در صورت امکان به تهایی و با کنار زدن فروشندگان دیگر بفروشد. هر کدام ارزان تر از دیگری به فروش می رسد. بنابراین رقابتی بین فروشندگان رخ می دهد که قیمت کالاهای عرضه شده توسط آنها را کاهش می دهد.

اما رقابت بین خریداران نیز وجود دارد. این امر باعث افزایش قیمت کالاهای عرضه شده می شود. و بالاخره رقابت بین خریداران و فروشندگان نیز وجود دارد: اینها می خواهند تا حد امکان ارزان تر خرید کنند، و آنها میخواهند تا حد امکان گران تر بفروشند. نتیجه این رقابت بین خریداران و فروشندگان به روابط بین دو کمپ رقابتی فوق الذکر بستگی دارد - یعنی اینکه آیا رقابت در ارتش فروشندگان قوی تر است یا خیر. صنعت، دو ارتش بزرگ را به میدان جنگ علیه یکدیگر هدایت می کند، در عین حال که هر یک از آنها درگیری بین نیروهای خود در صفوف خود هستند. ارتشی که در میان سربازانش کمتر درگیری وجود داشته باشد، پیروزی را بر حریف بدست می آورد. فرض کنید ۱۰۰ عدل پنبه در بازار وجود دارد و همزمان خریدار برای ۱۰۰۰ عدل پنبه وجود دارد. در این حالت تقاضا ۱۰ برابر بیشتر از عرضه است. پس رقابت بین خریداران بسیار قوی خواهد بود. هر یک از آنها سعی می کنند در صورت امکان، یک عدل از کل ۱۰۰ عدل را بدست بیاورند. این مثال یک فرض دلخواه نیست. در تاریخ تجارت، دورههایی از کمبود پنبه را تجربه کرده ایم، زمانی که برخی از سرمایه داران با هم متحد شدند و به دنبال خرید نه ۱۰۰ عدل، بلکه کل عرضه پنبه جهان بودند. بنابراین، در این مورد، یک خریدار با ارائه قیمت نسبتاً بالاتری برای عدل های پنبه، به دنبال این است که دیگران را از میدان خارج کند. پنبه فروشان که نیروهای دشمن را در خشن ترین مشاجره بین خود می بینند و بنابراین از فروش کل ۱۰۰ عدل خود اطمینان کامل دارند، از کندن موهای یکدیگر بر سر کاهش قیمت پنبه درست در لحظه ای که حریفان با یکدیگر مسابقه می دهند تا قیمت را بالا ببرند، خودداری میکنند. بنابراین ناگهان آرامش در ارتش فروشندگان حاکم می شود. آنها مثل یک تن واحد در مقابل خریداران ظاهر میشوند، با رضایت فلسفی سلاحهایشان را غلاف میکنند و ادعاهایشان (برای قیمت گذاری - م) تا جایی که آس و پاس ترین خریداران امکان داشته باشد، حد و مرزی نمیشناسد. بنابراین، اگر عرضه کالایی کمتر از تقاضا برای آن باشد، رقابت بین فروشندگان بسیار اندک یا کالا ناموجود است. به همان نسبتی که این رقابت کاهش می یابد، رقابت بین خریداران افزایش می یابد. نتیجه: افزایش قیمت کالاها. به میزانی کم و بیش قابل توجه. به خوبی می دانیم که حالت معکوس، با نتیجه معکوس، بیشتر اتفاق می افتد. یعنی مزاد عرضه بر تقاضا؛ رقابت نامیدکننده بین فروشندگان و کمبود خریداران؛ فروش اجباری کالاها با قیمت های بسیار پایین.

اما افزایش قیمت و سقوط قیمت به چه معناست؟ قیمت زیاد و قیمت پایین چیست؟ یک دانه شن وقتی زیر میکروسکوپ قرار گیرد بزرگ دیده میشود، یک برج در مقایسه با یک کوه، بسیار کوتاه است. اگر قیمت با رابطه عرضه و تقاضا تعیین می شود، رابطه عرضه و تقاضا با چه چیزی تعیین می شود؟ بیایید برای پاسخ به این سوال به اولین شهروند محترمی که ملاقات می کنیم مراجعه کنیم. او یک لحظه در پاسخ درنگ نخواهد کرد، بلکه مانند اسکندر مقدونی این گره متافیزیکی را با جدول ضرب خود حل خواهد کرد. او به ما خواهد گفت: «اگر تولید کالاهایی که می فروشم ۱۰۰ پوند برای من هزینه داشته باشد و از فروش این کالاها ۱۱۰ پوند در آورم - در طول سال، می دانید - این یک سود خوب، سالم و معقول است. اما اگر در مبادله ۱۲۰ یا ۱۳۰ پوند بدست بیاورم، این سودی بالاتر است. و اگر ۲۰۰ پوند دریافت کنم، این یک سود فوق العاده و هنگفت خواهد بود.» (پس چه چیزی به این شهروند به عنوان شاخص سود او خدمت می کند؟ هزینه تولید کالاهای او. اگر در ازای این کالاها مقداری کالای دیگر دریافت کند که هزینه تولید آن کمتر بوده است، ضرر کرده است. اگر در ازای کالای خود مقداری از کالاهای دیگر را دریافت کند که هزینه تولید آنها بیشتر بوده است، منتفع شده است. او کاهش یا افزایش سود را بر اساس درجه ای که ارزش مبادله کالاهایش بالاتر یا پایین تر از نقطه صفر او یعنی هزینه تولید است، محاسبه می کند.

دیدیم که چگونه تغییر رابطه عرضه و تقاضا باعث افزایش و یا کاهش قیمت ها می شود. یک موقع قیمت های بالا، و یک موقع دیگر قیمت های پایین. اگر قیمت کالایی به دلیل کمبود عرضه یا رشد بیش از حد تقاضا، به میزان قابل توجهی افزایش یابد، آنگاه قیمت برخی از کالاهای دیگر باید به همین نسبت کاهش یافته باشد. زیرا قیمت یک کالا بیان پولی نسبتی است که کالاهای دیگر در ازای آن داده می شود. به عنوان مثال، اگر قیمت یک یارد ابریشم از دو به سه شلینگ افزایش یابد، قیمت نقره نسبت به ابریشم کاهش یافته است و به همین ترتیب قیمت سایر کالاهایی که قیمت آنها ثابت مانده است، نسبت به ابریشم کاهش یافته است. مقدار زیادتری از آنها باید برای بدست آوردن همان مقدار ابریشم داده شود. اما پیامد افزایش قیمت یک کالای خاص چه خواهد بود؟ انبوهی از سرمایه به شاخه پررونق صنعت ریخته خواهد شد و این مهاجرت سرمایه به حوزه های صنعت مورد پسند تا زمانی ادامه خواهد یافت که دیگر سودی بیش از سود متعارف به دست نیآورد، یا بهتر است بگوییم تا زمانی که به دلیل تولید مازاد بهای محصولاتش بدست نیاید. یعنی تولید بیش از حد، پایین تر از هزینه تولید باشد.

برعکس: اگر قیمت یک کالا کمتر از هزینه تولید آن باشد، سرمایه از تولید این کالا خارج می شود. به جز در مورد شاخه ای از صنعت که منسوخ شده و در نتیجه محکوم به ناپدید شدن است، تولید چنین کالایی (یعنی عرضه آن)، با توجه به فرار سرمایه، تا زمانی که با تقاضا مطابقت داشته باشد، کاهش خواهد یافت. تقاضا و قیمت کالا دوباره تا سطح هزینه تولید آن افزایش خواهد یافت، یا به جای آن، تا زمانی که عرضه به کمتر از تقاضا کاهش یابد و قیمت آن بالاتر از هزینه تولید آن برسد. زیرا قیمت فعلی یک کالا همیشه یا بالاتر یا کمتر از هزینه تولید آن است.

می بینیم که چگونه سرمایه به طور مداوم از حوزه یک صنعت مهاجرت می کند و به حوزه دیگری مهاجرت می کند. قیمت بالا باعث ورود بیش از حد می شود و قیمت پایین فرار بیش از حد را باعث میشود.

از زاویه دیگری می توانیم نشان دهیم که چگونه نه تنها عرضه، بلکه تقاضا نیز با



فیزیکی کارگر کافی است، هزینه تولید او تقریباً منحصرأً به کالاهایی محدود می‌شود که برای بقا و حفظ او در وضعیت کار کردن ضروری است. بنابراین، قیمت کار او با قیمت وسایل ضروری زنده ماندن او تعیین می‌شود. در اینجا اما، ملاحظه دیگری هم وارد می‌شود. تولید کننده ای که هزینه

تولید خود را محاسبه می‌کند و مطابق با آن قیمت محصول را محاسبه می‌کند، فرسایش ابزار کار را هم به حساب می‌آورد. اگر ماشینی مثلاً ۱۰۰۰ شیلینگ برایش قیمت داشته باشد و این ماشین در ۱۰ سال تمام شود، سالانه ۱۰۰ شیلینگ به قیمت کالا اضافه می‌کند تا بعد از ۱۰ سال بتواند دستگاه فرسوده را جایگزین دستگاه جدید کند. به همین ترتیب، هزینه تولید نیروی کار ساده باید شامل هزینه تکثیر کارگر نیز باشد که به وسیله آن کارگران را قادر می‌سازد تا خود را چند برابر کنند و کارگران فرسوده را با کارگران جدید جایگزین کنند. بنابراین، فرسودگی کارگر به همان روشی محاسبه می‌شود که فرسودگی دستگاه محاسبه می‌شود.

بنابراین، هزینه تولید نیروی کار ساده به اندازه هزینه وجود و تکثیر کارگر است. بهای این هزینه وجود و تکثیر، دستمزد را تشکیل می‌دهد. دستمزدهای تعیین شده به این شکل را حداقل دستمزد می‌نامند. این حداقل دستمزد، مانند تعیین قیمت کالاها به طور کلی بر اساس هزینه تولید، برای هر فرد واحدی صدق نمی‌کند، بلکه فقط برای قشر کارگران در نظر گرفته می‌شود. افراد کارگر، در واقع میلیون‌ها کارگر، حتی آنقدر دریافت نمی‌کنند که بتوانند به موجودیت خود ادامه دهند و خودشان را تکثیر کنند. اما دستمزدهای کل طبقه کارگر، خود را در محدوده نوسانات خود با این حداقل تطابق می‌دهد.

اکنون که در مورد کلی‌ترین قوانین حاکم بر دستمزد و نیز قیمت هر کالای دیگری روشن شده ایم، می‌توانیم موضوع خود را بیشتر بررسی کنیم. ماهیت و رشد سرمایه

سرمایه شامل مواد خام، ابزار کار و انواع وسایل امرار معاش است که در تولید مواد خام جدید، ابزارهای جدید و وسایل معیشت جدید به کار می‌رود. همه این اجزای سرمایه توسط کار تولید شده اند، محصولات کار هستند، کار انباشته شده. نیروی کار انباشته ای که به عنوان وسیله ای برای تولید جدید عمل می‌کند، سرمایه است. این را اقتصاددانان می‌گویند.

برده سیاه پوست چیست؟ مردی از نژاد سیاه. یک توضیح حکیمانه! سیاه پوست یک سیاهپوست است. فقط تحت شرایط خاصی برده می‌شود. دستگاه پنبه ریزی دستگاهی برای ریسندگی پنبه است. فقط تحت شرایط خاصی تبدیل به سرمایه می‌شود. اگر از این شرایط دور شود به همان اندازه این دستگاه سرمایه است که طلا بخودی خود پول است، یا شکر قیمت شکر است.

در فرآیند تولید، انسان‌ها نه تنها بر روی طبیعت، بلکه بر روی یکدیگر نیز کار می‌کنند. آنها فقط با همکاری با یکدیگر به شیوه ای مشخص و تبادل متقابل فعالیت های خود تولید می‌کنند. آنها برای تولید وارد پیوندها و روابط معینی با یکدیگر می‌شوند و تنها در درون این پیوندها و روابط اجتماعی تأثیر آنها بر طبیعت اعمال می‌شود، یعنی تولید صورت می‌گیرد.

این روابط اجتماعی بین تولیدکنندگان و شرایطی که تحت آن آنها فعالیت های خود را مبادله می‌کنند و در کل عمل تولید سهیم می‌شوند، طبیعتاً بسته به ویژگی ابزار تولید، متفاوت خواهد بود. برای نمونه با کشف ابزار جنگی جدید، یعنی سلاح

قیمت کالاها و دستمزد...

از صفحه ۵

هزینه تولید تعیین می‌شود. اما پرداختن به این ما را از موضوع خود بسیار دور می‌کند.

ما اکنون مشاهده کرده ایم که چگونه نوسانات عرضه و تقاضا همیشه قیمت یک کالا را به قیمت تمام شده تولید آن باز می‌گرداند. قیمت واقعی یک کالا، در واقع، همیشه بالاتر یا کمتر از هزینه تولید است. اما صعود و سقوط، متقابلاً یکدیگر را متعادل می‌کنند، به طوری که در یک بازه زمانی معین، اگر جزو و مدهای صنعت با هم در نظر گرفته شود، کالاها مطابق با هزینه تولیدشان با یکدیگر مبادله می‌شوند. بنابراین قیمت آنها با هزینه تولید آنها تعیین می‌شود.

تعیین قیمت با هزینه تولید را نباید به شیوه ای که اقتصاددانان بورژوا درک میکنند، فهمید. اقتصاددانان می‌گویند که قیمت متوسط کالاها با هزینه تولید برابر است: این قانون است. هرج و مرجی که در آن افزایش با سقوط، و سقوط با افزایش همراه می‌شود، را یک حادثه یا اتفاق می‌دانند. ممکن است ما نوسانات را به عنوان قانون، و تعیین قیمت بر اساس هزینه تولید را یک تصادف در نظر بگیریم - همانطور که در واقع توسط برخی دیگر از اقتصاددانان انجام می‌شود. اما دقیقاً همین نوسانات است که با نگاه دقیق تر، وحشتناک ترین ویرانی‌ها را با خود همراه دارد و مانند یک زلزله، جامعه بورژوایی را از پایه های آن به لرزه در می‌آورد - و دقیقاً با این افت و خیزهاست که قیمت را با هزینه تولید منطبق می‌کند. نظم آنرا در کلیت این حرکت پر از هرج و مرج باید دید. در جریان کل این هرج و مرج صنعتی، در این حرکت دایره وار، رقابت، زیاد روی را با زیاده روی دیگری جبران میکند.

بنابراین می‌بینیم که قیمت یک کالا در واقع با هزینه تولید آن تعیین می‌شود، اما به این ترتیب که دوره هایی که در آن قیمت این کالاها از هزینه های تولید بالاتر می‌رود، با دوره هایی که در آن به زیر هزینه تولید کاهش می‌یابد، متعادل می‌شود و بر عکس. البته این الزاماً برای هر محصول خاص در یک صنعت صدق نمی‌کند، بلکه فقط برای آن شاخه از صنعت صدق می‌کند. همچنین برای یک تولید کننده منفرد صادق نیست، بلکه از زاویه کل طبقه تولید کنندگان صادق است.

تعیین قیمت بر اساس هزینه تولید مساوی است با تعیین قیمت توسط زمان کار لازم برای تولید یک کالا، زیرا هزینه تولید اولاً شامل مواد اولیه و فرسودگی ابزار و غیره است، یعنی آن محصولات صنعتی که تولید آنها به تعداد معینی از روزهای کاری هزینه در بر داشته است، که بنابراین مقدار معینی از زمان کار را نشان می‌دهد، و ثانیاً، کار مستقیم، که با مدت زمان آن نیز اندازه گیری می‌شود.

دستمزدها بر اساس چه چیزی تعیین می‌شود؟

حال همان قوانین کلی که قیمت کالاها به طور عمومی را تنظیم می‌کند، طبیعتاً دستمزد یا قیمت نیروی کار را نیز تنظیم می‌کند. بر طبق رابطه عرضه و تقاضا، یعنی بنا بر رقابتی که میان خریداران نیروی کار - سرمایه داران - و فروشندگان نیروی کار - کارگران - شکل می‌گیرد، دستمزدها هم یک زمان افزایش می‌یابد و زمان دیگری کاهش می‌یابد. نوسانات دستمزدها به طور کلی با نوسانات قیمت کالاها مطابقت دارد. اما در محدوده این نوسانات، قیمت نیروی کار توسط هزینه تولید، توسط زمان کار لازم برای تولید این کالا یعنی نیروی کار تعیین خواهد شد.

اما هزینه تولید نیروی کار چقدر است؟ این هزینه، هزینه ای است که برای نگهداری کارگر به عنوان کارگر، و برای تحصیل و آموزش او به عنوان کارگر لازم است.

بنابراین، هر چه زمان لازم برای آموزش یک نوع خاص کار کوتاه‌تر باشد، هزینه تولید کارگر کمتر می‌شود، قیمت نیروی کار، دستمزد او هم کمتر می‌شود. در آن شاخه‌های صنعتی که چندان دوره‌ای کارآموزی ای لازم نیست و صرف وجود



ممنوع‌الورود به کارخانه شدند. در اعتراض به این اقدام، کارگران به "ملا نژاد"، اولتیماتوم دادند که اگر تصمیمش لغو نشود، اعتصاب خواهند کرد و او با الفاظی رکیک گفت: "هفت هشت نفر [واژه رکیک] را بیرون انداختیم و بقیه نیز در صورت ادامه اعتراض اخراج خواهند شد." در پاسخ به این گستاخی که مصادف با روز عزاداری حکومت برای اسماعیل هنیه تروریست جنایت‌کارشان بود، تظاهرات بزرگ این کارگران و فریاد شعارهایشان تودهنی محکمی به مدیریت و حکومت بود و اکنون ادامه این اعتراضات شهر اراک را به وجد آورده است.

سطح حقوق این کارگران نازل و حتی برخی تعلقات مزدی آنها حذف شده و تبعیض بیداد می‌کند. اخراج مدیریت فاسد، پایان کار پیمانکاران، همسان‌سازی حقوقها با کارخانجات هم‌جوار و گروه مینا، رسمی شدن قراردادهای و بازگشت به کار اخراجی‌ها مطالبات فوری آنان است. تکثیر الگوی واگن پارس و گسترش اعتراضات علیه حکومت و سرمایه‌داران مفت‌خور پاسخ ما کارگران به این اوضاع و رفتن به سوی جمع‌کردن کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی است. (مندرج در ژورنال ۸۰۲)

یافته بود. شکل بدنی سرمایه ممکن است دائماً خود را دگرگون کند، در حالی که سرمایه کمترین تغییر را متحمل نشود. اما هر چند هر سرمایه مجموعی از کالاها - یعنی ارزش مبادله‌ای - است، نتیجه نمی‌شود که هر مجموع کالاها، هر مجموعه‌ای ارزشهای مبادله‌ای، سرمایه است.

هر مقدار ارزش مبادله‌ای یک ارزش مبادله‌ای است. هر ارزش مبادله‌ای خاص مجموعه‌ای از ارزش‌های مبادله‌ای است. به عنوان مثال: یک خانه به ارزش ۱۰۰۰ پوند، ارزش مبادله‌ای ۱۰۰۰ پوند است: یک تکه کاغذ به ارزش یک پنی مجموع ارزش مبادله‌ای یک پنی است. محصولات که با دیگر محصولات قابل مبادله هستند، کالا هستند. نسبت معینی که آنها در آن قابل مبادله هستند، ارزش مبادله آنها، یا به بیان پولی، قیمت آنها را تشکیل می‌دهد. مقدار این محصولات نمی‌تواند بر ویژگی آنها به عنوان کالا، به عنوان نماینده ارزش مبادله‌ای، به عنوان دارای قیمت معین، تأثیری داشته باشد. درخت چه بزرگ باشد چه کوچک، درخت باقی می‌ماند. چه ما آهن را در وزن یک سکه یا در صد برابر وزن، با محصولات دیگر مبادله کنیم، آیا این ویژگی آن را تغییر می‌دهد: یعنی کالا بودن یا ارزش مبادله‌ای آنرا؟ با توجه به کمیت، این کالایی با ارزش کمتر یا بیشتر است.

پس چگونه مجموعه‌ای از کالاها، مجموعه‌ای از ارزش‌های مبادله‌ای، تبدیل به سرمایه می‌شود؟ بدین ترتیب که به عنوان یک قدرت اجتماعی مستقل - یعنی به عنوان قدرت بخشی از جامعه - این کالاها خود را از طریق مبادله با کار زنده حفظ میکنند و تکثیر میکنند.

وجود طبقه‌ای که چیزی جز توانایی کار کردن ندارد، پیش فرض ضروری سرمایه است.

تنها تسلط کار انباشته شده و مادی شده گذشته بر کار زنده بی‌واسطه است که مظهر خصلت سرمایه را بر کار انباشته شده می‌زند. سرمایه از این واقعیت ناشی نمیشود که کار انباشته شده به کار زنده به عنوان وسیله‌ای برای تولید خدمت میکند. سرمایه از این واقعیت ناشی میشود که کار زنده به کار انباشته شده به عنوان وسیله‌ای برای حفظ ارزش مبادله‌ای آن و همچنین افزایش ارزش مبادله‌ای آن خدمت میکند.

خیابانهای اراک زیر پای کارگران واگن پارس

شهلا دانشفر

واگن پارس نمونه دیگری از فساد مدیریت کارخانه در همدستی با مقامات حکومت اسلامی است. این شرکت وابسته به گروه صنعتی "مینا" است و عمده سهام آن به وزارت نیرو و نهاد موسوم به "آستان قدس رضوی" تعلق دارد و محل چپاولگری‌های عظیم سران حکومت است.

ده روز است که تجمعات و راهپیمایی‌های ۱۱۷۰ کارگر این شرکت با شعارهایشان خیابان‌های اراک را به تکان درآورده است. در این اعتراضات کارگران در برابر قلدری‌های مدیریت فاسد قد علم کرده و با فریاد کارگر "می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" جنگ خود را علیه هرگونه بربریت و توحشی اعلام داشتند. در شرایطی که حکومت سعی می‌کند با دمیدن بر تبلیغات جنگی‌اش علیه اسرائیل صورت مسئله جامعه را از انقلاب به جنگ و تشدید سرکوب و گسترش اعدام‌ها تغییر دهد، اعتراضاتی از نوع واگن پارس پاسخ محکمی به چنین تشبثاتی است. واگن پارس آینه فضای اعتراض کل جامعه است که با فریاد اتحاد - اتحاد علیه فقر و فساد مقابل کل این بساط جهنمی ایستاده است.

۴ مرداد اعتراضات کارگران واگن پارس بخاطر تغییر شرایط ساعت کاری به دلیل کمبود برق و مشکلات معیشتی‌شان آغاز شد و کارگران با تجمع مقابل ساختمان اداری شرکت خواستار عدم اجرای این تغییر شدند. اما در روز بعد ۱۲ نفر از کارگران

از صفحه ۶

قیمت کالاها و دستمزدها...

گرم، ضرورتاً کل سازمان درونی ارتش تغییر میکند، روابطی که افراد در آن ارتش تشکیل می‌دهند و می‌توانند به عنوان یک ارتش فعالیت کنند، دگرگون میشود و رابطه ارتش‌های مختلف با ارتش‌های دیگر به همین ترتیب تغییر میکند.

بنابراین می‌بینیم که روابط اجتماعی که افراد در درون آنها تولید می‌کنند، روابط اجتماعی تولید، با تغییر و توسعه ابزار مادی تولید یا نیروهای تولیدی، تغییر میکند و دگرگون می‌شوند. روابط تولید در مجموع آن چیزی است که به آن روابط اجتماعی یا جامعه می‌گوییم، البته جامعه در یک مرحله خاص از تکامل تاریخی. جامعه‌ای با خصوصیات ویژه و متمایز. جامعه باستانی، جامعه فئودالی، جامعه بورژوازی (یا سرمایه‌داری) کلیتهایی از روابط تولیدی هستند که هر یک مشخص‌کننده مرحله خاصی از توسعه در تاریخ بشریت است.

سرمایه نیز یک رابطه اجتماعی تولید است. این یک رابطه تولید بورژوازی است، یک رابطه تولید جامعه بورژوازی. وسایل امرار معاش، ابزار کار، مواد خام، که سرمایه از آنها تشکیل شده است - آیا در شرایط اجتماعی معین، در چارچوب مناسبات خاص و معین، تولید و انباشته نشده اند؟ آیا آنها تحت شرایط خاص در روابط اجتماعی معین برای تولید جدید به کار گرفته نمی‌شوند؟ و آیا فقط خصلت اجتماعی معینی بر محصولاتی که برای تولید جدید به عنوان سرمایه خدمت می‌کنند، مهر خود را نمی‌زند؟

سرمایه نه تنها از وسایل امرار معاش، ابزار کار و مواد خام، نه تنها به عنوان محصولات مادی، بلکه به همان اندازه از ارزش‌های مبادله‌ای تشکیل شده است. تمام محصولاتی که از آن تشکیل شده است، کالا هستند. در نتیجه، سرمایه نه تنها مجموعه‌ای از محصولات مادی، بلکه مجموعه‌ای از کالاها، ارزش‌های مبادله‌ای، و موجودیت اجتماعی است. چه پنبه را به جای پشم قرار دهیم، یا برنج را به جای گندم، کشتی‌های بخار را به جای راه آهن، در هر حال سرمایه یکسان می‌ماند، مشروط بر اینکه پنبه، برنج، کشتی‌های بخار - یعنی بدنه سرمایه - ارزش مبادله‌ای یکسانی داشته باشد یعنی برابر همان قیمت پشم، گندم، راه آهن، که قبلاً در آن تجسم



گسترش اعتراضات، پاسخ به حکومت اعدام - مهران محبی

توسط انقلاب مردم است و هیچ راهی برای به عقب راندن مردم و کاهش دادن دامنه اعتراضات جاری و تعطیل ناپذیر مردم نمی یابد. فساد و چپاول سرتا پای اش را گرفته و توان برآورده نمودن

کوچکترین و کمترین خواست های معیشتی و رفاهی مردم را ندارد. از نظر فلسفی و ایدئولوژیکی از سوی جامعه بیش از پیش بی اعتبار شده و در موقعیت یک دشمن غارتگر در طرف مقابل میدان جنگ با مردم قرار گرفته است و هر روز متحمل عقب نشینی ها و شکست های بیشتری می شود. جمهوری اسلامی به خاطر ناتوانی های نظامی برای وارد شدن در جنگ مستقیم با اسرائیل و پوشالی بودن ادعاهای مکتبی و ایدئولوژیکی نابود کردن صهیونیسم و آزادسازی قدس، هویت و حیثیت گذشته اش به عنوان رأس محور مقاومت را از دست داده و گروه های تروریستی وابسته را نمی تواند مانند گذشته تحت اورتیته خود نگه دارد.

گرفتار شدن در چنین اوضاع داخلی و منطقه ای است که حکومت به این درجه از جنون و شقاوت در اعدام و آدمکشی کشیده شده است. رژیم می که از بدو سرکار آمدن اش ادعای جهانی کردن اسلام به رهبری خودش را داشته، امروزه در عراق و سوریه و فلسطین و مهمتر از همه در تهران و در زیر دماغ رهبر رأس محور مقاومت، سرداران سپاه و سران و فرماندهان رده بالای محور مقاومت اش را می کشند و ترور می کنند، اما جرأت درگیر شدن با دشمنی که با دادن وعده نابودی اش توانسته بود تروریسم اسلامی را با خود همراه کند، ندارد.

برای جمهوری اسلامی تشنه در میان باندهای تروریستی و فاصله گرفتن از خامنه ای و حکومت به عنوان رأس تروریسم اسلامی برابر با از دست دادن قدرت ماجراجونی های منطقه ای تاکتونی اش است که در پشت آن هدف نمایش اقتدار و توان خود برای سرکوب مردم در داخل را دنبال می کرد. امروز به یمن گسترش مبارزات مردم در همه عرصه ها علیه جمهوری اسلامی، ضعف و ناتوانی رژیم در همه عرصه ها و همه ابعاد و جوانب داخلی و منطقه ای و بین المللی به اوج خود رسیده و با هیچ تلاش و تقلائی از سوی حکومت حتی با سرعت بخشیدن بر قتل و اعدام و براه انداختن کشتار جمعی در زندان ها پنهان نمی ماند.

این واقعیت را همه ما مردم بیش از پیش در مدت کمتر از دو هفته بعد از روی کار آمدن پزشکیان و ترور اسماعیل هنیه بر جمهوری اسلامی تحمیل کرده ایم. حکومت که برای پنهان نمودن شکست های اش از مردم و به عقب راندن جامعه با استفاده از فضای تهدیدات جنگی پیش آمده ده ها زندانی سیاسی و عادی را اعدام کرده و برای ده ها زندانی سیاسی حکم اعدام صادر کرده و همین چند روز گذشته بود که دیوان عالی حکومت حکم اعدام شش زندانی سیاسی را تأیید کرد.

اما در همین مدت برخلاف انتظار سران جنایتکار حکومت، تجمعات و اعتراضات کارگران و بازنشستگان که ضمن اینکه خواستار تحقق مطالبات معیشتی خود بوده اند، با صدای رسا و شجاعانه به اعدام زندانیان اعتراض کرده اند و در همین مدت پرستاران با شروع و ادامه اعتراضات خود و گسترش دادن آن به شهرهای زیادی، یک جنبش اعتراضی و سراسری دیگر به جنبش های موجود افزودند و به این ترتیب توان و روحیه بیشتری به جنبش اعتراضی و انقلاب "زن، زندگی، آزادی" بخشیده اند.

این بخشی از مقابله جامعه با سرکوب و اعدام رو به گسترش رژیم برای مرعوب ساختن مردم بوده است. بخش های دیگر از اعتراضات که این روزها در جریان بوده و حکومت را علی رغم شدت دهی به جنایات اش به وحشت انداخته اند، جوانان با نصب و توزیع تراکت ها و پوسترها در حمایت از زندانیان سیاسی زیر حکم اعدام و ادامه

رژیم قاتل و جنایتکار جمهوری اسلامی برای منحرف کردن افکار عمومی از شکست امنیتی و اطلاعاتی ناشی از قتل اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی گروه تروریستی حماس در یکی از حیثیتی ترین روزهای عمر ننگین اش و در یکی از امنیتی ترین مکان های نظامی اش و عقب نشینی از هارت و پورت های خامنه ای برای خونخواهی خون اسماعیل هنیه از اسرائیل، کشتاری جبهه‌ناهنه و وسیع تری را که در دو دهه گذشته بی سابقه بوده براه انداخته است.

جنون زندگان اسلامی طی یک مدت کوتاه حداقل ۸۷ زندانی را در زندان های مختلف اعدام کرده اند. فقط طی دو روز ۱۶ و ۱۷ مرداد ده ها زندانی از جمله رضا رسائی زندانی سیاسی بازداشت شده در جریان اعتراضات انقلاب "زن، زندگی، آزادی" در زندان دیزل آباد کرمانشاه را اعدام کردند و با اعدام ۲۹ زندانی در روز ۱۷ مرداد در زندان های قزلحصار و کرج یک کشتار جمعی براه انداختند.

تردید نیست که دور جدید از جنون زدگی بی سابقه جمهوری اسلامی در اعدامهای اخیر به خاطر مرعوب کردن مردم انقلابی ای است که با گسترش هر روزه اعتراضات خود علیه همه جوانب جمهوری اسلامی، نفس حکومت برای بقاء را به شماره انداخته است.

جمهوری اسلامی از هر طرف و از هر نظر زیر فشار کشنده است. حکومت در عرصه داخلی شدیداً زیر فشار تجمعات اعتراضی کارگران، بازنشستگان و مبارزات هر روزه زنان و بقیه مردم معترض است و با تمام درنده خونی و قتل و اعدامی که علیه جامعه براه انداخته، نتوانسته است خللی در ادامه اعتراضات در سطح جامعه ایجاد کند. اعتراضاتی که در چند ماه گذشته و در متن انقلاب جاری شرایط بایکوت های سراسری نمایشات رسوای انتخابات مجلس و ریاست جمهوری را فراهم نمود و فضا را آنچنان بر ضد حکومت تنگ کرد که ماجرای قتل رئیسی و امیر عبدالهیان به امکانی دیگر برای مردم برای ابراز خشم و نفرت پایان ناپذیرشان تبدیل شد.

حالا هم رژیم با کوهی از تبعات و گرفتاری های جدید متأثر از دو بایکوت انتخاباتی در مدت ۴ ماه که در نوع خود دو فراندوم و "نه" سراسری و عمومی به کلیت جمهوری اسلامی بودند، دست به یقه شده است که چطور شکست های پی در پی انتخاباتی اش از مردم را روتوش کند و با بی اعتبارترین رئیس جمهوری اش نظام را از سرنگونی نجات دهد.

این اوضاع شکننده و حاکی از درماندگی جمهوری اسلامی در برابر پیشروی های مداوم مردم معترض و انقلابی در عرصه منطقه ای و بین المللی نیز بازتاب یافته و طی چند ماهه اخیر و مخصوصاً از زمان ترور اسماعیل هنیه تا به حال خود را با وضوحی بی سابقه نمایان کرده است. از ابتدای سال جاری تا امروز هر چه زمان جلوتر آمده است، بیشتر ضعف و پوشالی بودن ادعاهای نظامی و امنیتی حکومت برای محو و نابودی اسرائیل آشکار شده است.

اسرائیل در مدت چند ماه گذشته شماری از سرداران سپاه پاسداران و سپاه قدس به همراه بسیاری از فرماندهان و سران باندهای تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی را پشت سر هم ترور و به قتل رسانده است و حکومت همواره از درگیری مستقیم با اسرائیل پرهیز کرده و فقط به رجزخوانی هائی مانند گرفتن انتقام سخت و دادن پاسخ سخت اکتفا کرده است. قاطع ترین پاسخ مستقیم حکومت به اسرائیل طی ۴۵ سال گذشته، شلیک نمایشی صدها فروند موشک و پهپاد با اطلاع و با توافق از پیش حاصل شده با خود اسرائیل و حامیان آن بوده که هیچ آسیب جانی و اقتصادی و نظامی ای به دنبال نداشته است و این خود تکرار همان رویارویی مستقیم رسوا کننده به پایگاه نظامی عین الاسد آمریکا در عراق و به اصطلاح انتقام سخت از آمریکا به خاطر کشتن قاسم سلیمانی بوده است.

رژیم جمهوری اسلامی در عرصه داخلی درمانده و وحشت زده از سرنگون شدن

اعتصابات گسترده پرستاران در بیمارستانهای مختلف ادامه دارد



حمایت از آنها فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۵ مرداد ۱۴۰۳، ۵ اوت ۲۰۲۴

از صفحه ۹

گسترش اعتراضات، پاسخ به ...

اعتراضات کشاورزان و مالباختگان به طور مستقیم به حکومت و دستگاه های حکومتی ذریع و اعتراضات عموم مردم به بی آبی و قطعی برق بوده اند.

به این ترتیب کل جامعه علیه حکومت به میدان آمده است و هر اقدام جنایتکارانه آن را با اعتراض پاسخ می دهند و نمی گذارند رژیم به اهداف خود برسد. اما نحوه مبارزات و اعتراضات جاری در جامعه هنوز برای به عقب راندن کامل حکومت و گرفتن طناب دار از دست اش کافی نیست.

در این شرایط و این روزها که کارگران اعتصابی پروژه ای و بازنشستگان در تجمعات خود قاطعانه در مقابل اعدام ایستاده و خواهان پایان یافتن کشتار و اعدام و سرکوب توسط رژیم هستند، لازم است که هر دادخواه و خانواده زندانیان سیاسی و زندانیان زیر حکم اعدام، هر زن ضد حجابی و هر انسان معترض و ناراضی از وضعیت موجود به تجمعات و اعتراضات کارگران و بازنشستگان که امروز خواست های سراسری مردم از جمله خواست گرفتن طناب دار از دست جمهوری اسلامی را فریاد می زنند، بپیوندند.

از این طریق است که می توانیم حکومت را بیشتر از پیش به عقب برانیم و طناب دار را از دست اش بگیریم. جمهوری اسلامی با از کار انداختن ماشین قتل و اعدام اش سرنگون خواهد شد.

بنا بر گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران، اعتراضات کادر درمان و پرستاران در بیمارستان های مختلف برای پیگیری مطالباتشان گسترش یافته است. طبق این گزارشات اعتصابات بیمارستان های کرج از سه شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳ با آغاز اعتراضات پرستاران بیمارستان امام علی کرج، شروع شده و نیروهای پرستاری در اعتصاب کامل بسر میبرند و تنها تعداد معدودی از سوپروایزرها و نیروها برای رسیدگی به بیماران از پیش بستری شده سر کار حاضر می شوند.

پرستاران بیمارستان کوثر استان البرز نیز از روز شنبه ۱۳ مرداد، در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و کاری خود دست به اعتصاب زدند. همچنین پرستاران بیمارستان شهید رجایی از روز شنبه ۱۳ مرداد وارد اعتصاب شده و بخش اورژانس این بیمارستان و کلیه نیروهای پرستاری و کادر درمان با ترک کار به این اعتصاب پیوستند. زیر فشار این اعتراضات صیادی رئیس دانشگاه علوم پزشکی نیمه شب برای مذاکره با پرستاران در بیمارستان حاضر شد و قول رسیدگی به درخواست پرستاران را داد.

پرستاران بیمارستان شهید مدنی، بخش اتاق عمل نیز از روز شنبه ۱۳ مرداد به اعتصاب پیوستند و اتاق عمل به تعطیلی کشیده شده است.

همچنین پرستاران بیمارستان شریعتی کرج، از روز یکشنبه ۱۴ مرداد به این اعتصابات پیوسته اند. عدم پرداخت تعرفه ها یک موضوع این اعتراضات است و طبق گزارشات به نقل از وحید دبیری رئیس هیئت مدیره نظام پرستاری کرج پرداخت تعرفه خدمات مراقبتی پرستاران شاغل در بیمارستانهای کرج از بهمن ماه سال گذشته پرداخت نشده است. بعلاوه این پرستاران کارانه زمستان سال ۱۴۰۱ خود را نیز طلب دارند. زیر فشار اعتراضات پرستاران قرار شده است که مبلغی به صورت علی الحساب بابت تعرفه بهمن ماه ۱۴۰۲ برای پرستاران البرز واریز شود. ضمن اینکه مقرر شده است که تا پایان مرداد، بخشی از عقب ماندگی تعرفه پرستاران را جبران کنند و این طلبها را به صورت دقیق پرداخت کنند و علی الحساب نباشد.

بنا بر خبر مبلغ کارانه پرستاران با توجه به وضعیت و میزان کار هر پرستار با دیگری متفاوت است و ماهانه بین ۲ تا ۹ میلیون تومان تفاوت دارد. با این وجود مبلغ پرداختی به پرستاران بابت تعرفه گذاری به صورت علی الحساب است و پرستاران به طور دقیق نمی دانند مبلغ تعرفه ماهانه آنها چقدر است. یک موضوع اعتراض پرستاران تبعیض در پرداخت تعرفه ها و سلیقه ای عمل کردن مسئولین است.

رئیس هیئت مدیره نظام پرستاری کرج گفت: با پیگیریهای سازمان نظام پرستاری فعلا مسئولان دانشگاه علوم پزشکی البرز قول داده اند که تا پایان مرداد، بخشی از عقب ماندگی تعرفه پرستاران را جبران کنند و مبلغ پرداختی را نیز به صورت دقیق پرداخت کنند و علی الحساب نباشد که امیدواریم به این وعده خود عمل کنند. آخرین گزارش از اعتراضات پرستاران اینست که این اعتراضات به شیراز هم کشیده شده است. مبلغ ناچیز اضافه کاری (ساعتی ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان)، عدم پرداخت آیتم های رفاهی و مبلغ ناچیز آن، تبعیض در پرداخت تعرفه ها و عدم شفافیت در میزان آن، عدم اجرای ابلاغیه فوق العاده خاص و اصلاح ضریب حقوق پرستاران و عدم تامین نیروی انسانی و کار طاقت فرسا و فشار کار بسیار و اجبار به اضافه کاری از جمله موضوعات اعتراضی آنهاست که معضل همه پرستاران است. معاون نظام پرستاری شیراز با حضور در جمع پرستاران اعلام کرد که اینها مشکلات سراسری است و کلید حل آن در دست وزارت بهداشت است. پرستاران میگویند تا جواب نگیرند به اعتراضاتشان ادامه میدهند.

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب پرستاران حمایت میکند و همه مردم را به





ترور و جنگ؛ و ضرورت سازماندهی اعتراضات - یاشار سهندی

شوند، و چه چیزی بهتر از یک جنگ. در این میان اپوزیسیون راست، بخصوص سلطنت طلبان دوباره جان گرفته اند و با دشمنان گردو میشکنند به

خیال اینکه "بی بی پروا" (لقبی که به ناتانیاهو داده اند) گره از کار ایشان می کشاید و ایشان در میان دریای از خون و ویرانی به "سریر قدرت" برمیگردند. برای همین درخواست کرده اند: "بی بی، ما منتظر دومی هستیم!"

و در گوشه دیگر، چپ سنتی حرفی ندارد جز اینکه اعلام مواضع کند و دوباره هشدار بدهد و در بهترین حالت امیدوار باشد که مردم با "روشن بینی" یک کاری بکنند و "گامهای جدید تری" بردارند. و بیش از آنکه جمهوری اسلامی هدف تیغ حملات شان باشد که مسبب همه مصائب کنونی در ایران و منطقه خاورمیانه است، برای اینکه در مسابقه ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی عقب نیفتند، یادشان هست که اول دولت فاشیست اسرائیل و شخص ناتانیاهو محکوم شود. بعد اگر شد و مردم توانستند "گامهای جدید تری" بردارند! نمونه؛ رحمان حسین زاده نوشته است: "... اولین اقدام فوری و موثر... اعمال فشار اعتراضی و بین المللی بر دولت دست راستی اسرائیل به منظور قبول آتش بس و پایان دادن به قتل عام مردم و نسل کشی در غزه و تن دادن این رژیم به راه حل دو کشوری برای حل کار ساز مسئله فلسطین است. پیشرفت چنین روندی راه مقابله مؤثر با تروریسم اسلامی و جریاناتی مثل حماس و جهاد در فلسطین و دخالتهای تروریستی و جنگی جمهوری اسلامی در منطقه است. (در دید ایشان برعکس این موضوع اصلا جایی برای فکر کردن ندارد!) در این اوضاع و در هر شرایطی طبقه کارگر و مردم آزادخواه در ایران برای دستیابی به آسایش و امنیت و رفاه و برای خشکاندن سایه شوم جنگ و استبداد و سرکوب و ترور بیش از پیش لازمست با روشن بینی و سازمانیابی مؤثر کارگری و توده ای گامهای جدید را برای سرنگونی جمهوری اسلامی برداریم." ("برداریم" تعارف است! با توجه به جملات قبل، "بردارند" صحیح تر است!)

نمونه؛ حزب حکمتیست (خط رسمی): "بی تردید افسار زدن به ماشین کشتار جمعی و ترور دولت اسرائیل، پشیمان کردن آمریکا از میلیتاریسم و کاهش خطر جنگ و ویرانی و کشمکش های نظامی در منطقه که مردم محروم قربانیان آن خواهند بود، کار جنبشی است که در سراسر جهان علیه این توحش در حمایت از مردم فلسطین و برای صلح واقعی در میدان است. این جنبش امروز بیش از هر زمانی نیازمند حضور قدرتمند طبقه کارگر جهانی به عنوان یک طبقه واحد برای ایست دادن به ماشین کشتار جمعی و ترور و نسل کشی دولت اسرائیل است! اینجا دیگر حتی از روشن بینی و گامهای جدیدتر علیه حکومت اسلامی خبری نیست که نیست!

نمونه؛ سازمان راه کارگر: "جنگ و منازعه دو رژیم جنایتکار و تروریست اسرائیل و ایران، ربطی به آمل ها و آرمان های انسانی ندارد اما دود آن و پس لرزه های آن، متوجه اکثریت مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان خواهد شد. (تا اینجا درست! اما بعد)، اردوی کار و رنج در تمام خاورمیانه از اسرائیل و فلسطین گرفته تا ایران و کشورهای عربی، باید صف خود را هم از رژیمهای جنایتکار و مرتجع خویش جدا کنند و هم از نیروهای اپوزیسیون راست و ارتجاعی که علیرغم رجزخوانی درباره "محور مقاومت"، اگر به قدرت برسند همان رژیمی را برپا میکنند که در ایران شاهد آن هستیم: دشمن آزادی و برابری و شادی و لائسیته!؛ این دیگر شاهکار تمام عبار است. این یعنی از نظر ایشان فی الحال "اردوی رنج کار" صفش با رژیمهای جنایتکار و مرتجع و اپوزیسیون راست و ارتجاعی یکی است!

در میان هیاهوی ترور و خطر جنگ (که بعید است بر پا شود، چون بخصوص

"پرتابه ای از هوا" نازل شده و درست زیر دماغ خامنه ای، اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی گروه تروریستی اسلامی حماس که جهت گرفتن حمایت بیشتر از جمهوری اسلامی، در بغل سرداران سپاه و پزشکین و خامنه ای جای امنی برای خود میجست به دیار نیستی فرستاد. معلوم شده در جنگ میان تروریستها، جنگ میان "سربازان گمنام امام زمان" و "سربازان گمنام موسی"، آنکه دست بالاتری دارد سربازان گمنام موسی است که "از رگ گردن هم به ایشان نزدیکترند."

سربازان گمنام موسی بمب گذاری میکنند، با ماهواره ترور میکنند، با پهپاد به مراکز هسته ای حکومت اسلامی حمله میکنند، با موشک از پشت مرز، سامانه پدافند هوایی جمهوری اسلامی در مرکز ایران را ویران می سازند، آدم ربایی میکنند و انبوهی از اسناد طبقه بندی شده جمهوری اسلامی را به تل آویو منتقل میکنند. در گوشه ای از این مملکت، که جمهوری اسلامی در همه جای آن شکنجه گاه ساخته است، ایشان بی پروا شکنجه میکنند و اعترافات اجباری تهیه میکنند؛ و آخرین مورد آن پرتابه ای از هوا، (گویا از روی کوهستان) یگراست به اتاق خواب اسماعیل هنیه شلیک و او را خواب به خواب کردند و در خواب او را لت و پار شده به خواب ابدی فرستادند. جمهوری اسلامی که در محاصره مردم معترض و خشمگین ایران قرار گرفته است تنها کاری بعد از سرکوب بی رحمانه در داخل ازش ساخته است یکی این بوده که مردم را تهدید کند مرگ هنیه را به سخره بگیرند و گر نه چنین و چنان میکند و دیگر اینکه با فراخوان مزدورانش در کشورهای منطقه جو جنگی ایجاد کند، تا شاید مردمی که در مبارزه برای سرنگونی حکومت هستند، به عقب براند. وعده های جنگی حکومت همچون مجازات سخت و انتقام سخت و عملیات موشک پرانی وعده صادق ۱ و ۲، هر کدام بنوبه خود به ضد حکومت تبدیل شده است و میشود.

بعد از کشتن هنیه، مجددا دو طرف این ماجرا، حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی و دولت فاشیست اسرائیل برای هم خط و نشان کشیدند. خامنه ای به خونخواهی برخاسته و ناتانیاهو هم تاکید کرده هر کسی ما را بزند، هر جا باشد محکم تر جواب میدهیم. مفسران و کارشناسان ریز و درشت سیاسی، نظامی و امنیت بین الملل، با مدارک دانشگاهی معتبر، همه احتمالات جنگ احتمالی را با هیجان وصف ناپذیری، ۲۴ ساعته بررسی میکنند. اساس بحث مفسران و کارشناسان فوق الذکر هم این است که این "بازی بزرگان" است، و آنکه نقشی ندارد توده مردمی هستند که زیر سیطره حکومتهای فاشیستی روزگار به سر میکنند.

بازی بزرگان سخت خونین و خشن و ویرانگر است. اما در نگاه این مفسران هیچ ردپایی از خشونت در این بازی شنیع و هولناک دیده نمی شود. اگر در گوشه ای معترضی سنگی پرتاب کند، اگر کسی کوکتل مولوتفی بر سر در مسجدی منفجر کند، ایشان یکصدا به عنوان اشکالی از خشونت طرح و نفی میکنند؛ و نه تنها این، بلکه معلوم میشود که جامعه کلا خشونت طلب است و اگر نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی نباشد جامعه به تباهی میرود. اما اگر در بازی بزرگان، "تصمیم سازی" کنند که یک شهر را با بمباران ویران کنند، گویا نتیجه جبری جنگ و دفاع است و نامش خشونت نیست! گویا تنها در تاریخ، شاید از دستور دهنده با عنوان سفاک و دیوانه یاد کنند و گر نه بیشتر وقتها به حساب زیرکی آن شخصیت میگذازند.

نکته دیگری که در تفسیر بازی بزرگان برجسته میشود ایجاد ترس و دلهره و وحشت در دل مردمی است که باید تاوان جنگ احتمالی این دو طرف فاشیست، که هر دو هم، ادعای نمایندگی خدا بر روی زمین را دارند، بدهند. بخصوص در ایران، مردمی که در کف خیابان در اعتراضات پی در پی شان و در مقاطعی مانند دی 96 و آبان 98 و شهریور 1401 با قدرت وسیع شان لرزه به تن یکی از مخوف ترین و شریرترین رژیمهای مدافع نظم سرمایه داری انداختند باید یک جوری به عقب رانده



طبق گزارشات منتشر شده حسین عبادیان معلم بازنشسته به دلیل آنکه فرزندش را در مدرسه تیزهوشان بصورت رایگان ثبت نام نکرده‌اند، چندین روز است که جلوی در اداره آموزش و پرورش شهرستان شهریار

تحصن کرده است. این معلم معترض در سال گذشته پس از ۲۸ سال تدریس با اتهاماتی چون "همراهی با اغتشاشگران" به بازنشستگی زودهنگام همراه با "تقلیل دو گروه" محکوم شد. حسین عبادیان چند ماه پیش توسط دادگاه انقلاب ملایر به اتهاماتی مانند "فعالیت تبلیغی علیه نظام"، "توهین به خامنه‌ای" احضار شده بود. مسدود شدن پرونده های امنیتی یک خواست فوری معلمان است. خبر قابل توجه دیگر صعود یکی از معلمان در روز شنبه بیستم مرداد ماه به قله علم کوه به ارتفاع ۴۸۵۰ متر به یاد و افتخار معلمان زندانی است. هم اکنون تعدادی از معلمان از جمله رسول بدافی، ناهید شیرپیشه، جواد لعل محمدی، محمدحسین سپهری، اصغر امیرزادگان، احمد علیزاده، زینب هم‌رنگ، محمد صادقی و مریم مهرابی در زنداند. معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

امروز بیست و یکم مرداد ماه اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته بازداشت شد و به زندان اوین منتقل گردید. اسماعیل گرامی در پی یورش ماموران حکومت به خانه اش در هفدهم مرداد ماه پس از تماس مجدد آنان در ساعت ۷ صبح امروز با وی، به داسرا مراجعه کرد و طبق تصمیم بازپرس و ضابط پرونده قرار بازداشتش صادر شد و به زندان اوین منتقل گردید. (برگرفته از اطلاعیه ۲۱ مرداد حزب کمونیست کارگری)

اخباری از اعتراضات کارگری

کارگران کارخانه زمزم آذربایجان در اعتراض به سطح پایین حقوق و مزایای خود دست از کار کشیدند. این اعتصاب از دیروز آغاز شده و تا هم اکنون ادامه دارد.

- اعتصاب کارگران شرکت فریکو در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه مزد و حق بیمه چند ماه اخیرشان ادامه دارد. سه هفته از این اعتصاب میگذرد و به گفته کارگران وضعیت پرداخت حقوق در این شرکت در طول سالیان گذشته، هم به همین روال بود و از آغاز سال جاری بدتر شده است. برخی از این کارگران تا هجده سال سابقه کار دارند.

کارگران کارخانه ی "لاستیک پارس" در اعتراض به وضع بد معیشتی و کاری خود مقابل کارخانه تجمع کردند.

جمعی از کارگران اخراجی گروه ملی فولاد ایران در اهواز بار دیگر در مقابل استانداری خوزستان تجمع کرده و خواستار بازگشت به کارشان شدند. این کارگران در اعتراضات گسترده گروه ملی فولاد اهواز در ماه.. که خیابانهای شهر را به تکان درآورد از کار اخراج شدند.

روز بیستم مرداد ماه جمعی از معلمان "کارنامه سبز" مقابل دفتر پزشک‌های با خواست جذب و استخدام رسمی خود در آموزش و پرورش، تجمع کردند. "کارنامه سبز"، عنوانی برای پذیرفته‌شدگان آزمون‌های استخدامی دولت، به‌ویژه در بخش آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۹ است که هنوز در بلاتکلیفی شغلی بسر می‌برند. یکی خبر جالب دیگر از سوی معلمان تحصن یک معلم مقابل اداره آموزش و پرورش شهرستان شهریار با پلاکارد "آموزش رایگان و با کیفیت حق همه دانش آموزان است" بود.

از صفحه ۱۰

ترور و جنگ؛ و ...

جمهوری اسلامی بسیار آسیب پذیر است، و اگر هم درگیرد بسیار کوتاه مدت خواهد بود) آتش انقلاب زن زندگی آزادی هنوز برپاست. راست آنرا ندید می‌گیرد، چون اساسا آنرا مغایر با سیاست و منافعش میدانند. اپوزیسیون راست دشمن سرسخت هر اقدامی است که توده مردم در آن نقشی مستقیم دارند، برای همین در آرزوی این است که سوار بر بمبهای که جنگنده های F35 اسرائیل، بر ویرانه های به جا مانده از جنگ که شیرازه جامعه را از هم گسسته است در تهران فرود آید. چپ سنتی هم بیشتر به فکر مبارزه ضد امپریالیستی خودش است. کار برای برخی از این چهپا تا آنجا پیش رفته که دیگر به طور جدی هشدار میدهد ناتو در تدارک جنگ جهانی سوم است، و برای راحتی وجدان خودشان فراخوان به قطب سوم میدهد که به میدان بیاید! برای این چپ جنبشی عظیم و زیررو کننده جاری در ایران مسئله جالبی نیست که به فکر سازمان دهی و رهبری آن باشد.

مسئله مهمی در میان این هیاهوهای فاجعه بار ترور و جنگ احتمالی، سازمان دادن اعتراضات فی الحال جاری، که آخرین مورد آن تظاهرات باشکوه کارگران واگن پارس وابسته به یکی از بزرگترین قطبهای اقتصادی که در زیر سیطره مافیای حکومتی است یعنی شرکت مپنا، در روز جمعه ۱۲ مرداد در اعتراض به مدیریت شرکت بخاطر توهین به کارگران است و دهها مورد اعتراضی دیگر و اعتراض شدید و پر توان علیه اعدام بخصوص زندانیان سیاسی زن که متهم به قیام مسلحانه شدند و حکم اعدام آنها صادر شده یا در آستانه صادر شدن است و جنبش پر قدرت دادخواهی در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی، پاسخ درست و قاطع به طرفهای تروریست و جنگ طلب است.

جنگ فراگیر بین جمهوری اسلامی و اسرائیل نامحتمل است، نه صرفا بخاطر نبود مرز مشترک زمینی میان ایران و اسرائیل بلکه بخاطر اینکه متزلزل شدن اسرائیل، (که این بخاطر توازن نظامی میان جمهوری اسلامی و اسرائیل و متحدانش بسیار

بعید است) توازن سیاسی کنونی میان کشورهای منطقه را و در نتیجه جهان را بهم خواهد ریخت، و این چیزی نیست که بورژوازی بخواهد. مسئله مهمتر اینکه بورژوازی در پی سرنگون کردن جمهوری اسلامی نیست. چون اینجا صرفا بحث بر سر سقوط و جایجایی ساده یک دولت نیست. چرا که با وجود جنبش های قوی اجتماعی، بخصوص چپ اجتماعی در ایران سقوط جمهوری اسلامی فرصت بزرگی را برای این جنبش ها فراهم می آورد. در ایران مسئله "موزاییکی بودن جامعه" مطرح نیست، مسئله جنبش های اجتماعی است که با پشتوانه بیش از چهار دهه مبارزه با یکی از هارترین رژیمهای ممکن مدافع نظم سرمایه داری، آنها را از یک "جنبش مدنی مطالباتی حداقلی" به جنبش های اجتماعی رادیکال و حداکثری تبدیل کرده است. در ایران بخصوص جنبش قوی ضد مذهبی شکل گرفته است که با سقوط جمهوری اسلامی این جنبش پتانسیل این را دارد که به یک جنبش جهانی تبدیل گردد. و نهایتا اینکه در ایران جنبش کارگری با وجود همه سرکوبگرها بسیار فعال و پر جنب و جوش است که با وجود کمونیسم کارگری که متحزب هم هست (حزب کمونیست کارگری)، که طبقه کارگر را در عرصه سیاسی نمایندگی میکند، سقوط جمهوری اسلامی آخرین چیزی است که بورژوازی به آن فکر میکند.

چه جنگی میان تروریستها حاکم بر ایران و اسرائیل صورت گیرد یا نگیرد، در هر حال وظیفه کمونیستها سازمان دادن و رهبری اعتراضات جاری است. بخاطر وقایع اخیر، اپوزیسیون راست فعلا مسئله اش رهبری اعتراضات جاری نیست، هر چند هیچگاه هم نبوده، بلکه همیشه در تکاپوی این بوده در کریدورهای دولتهای غربی جای برای خود دست و پا کند؛ این اپوزیسیون فکر میکند با جنگ میتواند انقلاب را هم سرکوب کند. این فرصت مناسبی برای کمونیستها فراهم کرده تا بتواند به مثابه رهبر انقلاب جاری ظاهر شوند. و در این صورت تمام معادلات منطقه و جهان به نفع جنبش های اجتماعی چپ بشدت تغییر خواهد یافت.



کارگران واگن پارس اراک به اعتصاب و اعتراضات خود ادامه میدهند

اعتصاب قدرتمند کارگران واگن پارس در اراک بیش از ده روز است ادامه دارد. اعتراض این کارگران به شرایط شغلی، مزدی و اخراج هاست. اعتراضات کارگران واگن پارس از چهارم مرداد بخاطر شرایط ساعت کار و جابجایی تعطیلی پنجشنبه و جمعه با شنبه و یکشنبه بدلیل کمبود برق و مشکلات معیشتی شان آغاز شد و کارگران با تجمع در مقابل ساختمان اداری شرکت از مدیریت خواسته بودند که از اجرای این تصمیم جلوگیری کند. اما در پاسخ به آنان در روز بعدش مدیریت از ورود ۱۲ نفر از کارگران به کارخانه جلوگیری کرد. در واکنش به این اقدام کارگران اولتیماتوم دادند که اگر این تصمیم لغو نشود دست به اعتصاب خواهند زد. و وقتی با پاسخ بیشرمانه ملائزاد مدیر شرکت و توهین او روبرو شدند، در روز یازدهم مرداد فوج جمعیت معترض آنان به خیابان آمد و پاسخ محکمی به مدیریت منفور و حکومت حامی سرمایه داران مفتخور دادند.

در این شرکت بیش از ۱۱۷۰ کارگر اشتغال دارند و به گفته کارگران سطح حقوق آنان بسیار نازل و علیرغم سفارشات بالای ساخت و تولید، حتی برخی تعلقات مزدی آنها حذف شده است. از جمله مزد یک کارگر بعد از ۲۰ سال کار با اضافه کاری ۲۵ میلیون تومان است و مدیریت اضافه کاری را هم کم کرده است. ملائزاد حتی اتاقک‌های محل استراحت کارگران را برداشته و کارگران مجبورند در کف سالن روی کارتن و مقوا استراحت کنند. از آن طرف، حقوق مدیران نجومی است و مزایای مختلف از جمله حق سفر و هزینه ورزش و اهدای خودرو و غیره به آنان تعلق میگیرد. کارگران به این تبعیضها اعتراض دارند.

این کارگران در اعتراضاتشان با شعارهای "کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد"،

"تبعیض بس است؛ مدیر باید عوض شود" اعتراضشان را به مدیریت فاسد و دزدان حاکم اعلام داشتند. خواستهای فوری دیگر این کارگران عبارتند از: پایان کار پیمانکاران، همسان‌سازی حقوق و مزایای کارگران با دیگر کارخانجات همجوار و گروه مینا، رسمی شدن قرارداد کارگران، و بازگشت به کار کارگران اخراجی.

مطالبه پایان کار پیمانکاران یک مطالبه سراسری کارگری است که هم اکنون در راس مطالبات هزار کارگر معترض نفت نیز هست و ساختار ضد کارگری اقتصاد حکومت را مورد اعتراض و تعرض قرار میدهد.

شرکت واگن پارس شرکت وابسته به گروه صنعتی "مینا" است که عمده‌ی سهام آن به وزارت نیرو و نهاد معلوم الحال موسوم به "آستان قدس رضوی" تعلق دارد و محل چپاولگریهای عظیم سران حکومت است. اعتراضات کارگران واگن پارس الگویی از اعتراض در برابر مدیران فاسد و حکومت دزدان و چپاولگران است. اتحاد مبارزاتی علیه فقر و فساد و گرانی محور اعتراضات همه بخشهای جامعه است. اعتراضات کارگران واگن پارس شایسته‌ترین حمایت‌ها از جانب مردم بویژه مردم اراک است.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۱۷ مرداد ۱۴۰۳، ۷ اوت ۲۰۲۴

از سرگیری اعتراضات گسترده کارگران ارکان ثالث و شرکتی در پالایشگاههای پارس جنوبی



پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران- ۱۷ مرداد ۱۴۰۳، ۷ اوت ۲۰۲۴

تجمعات بازنشستگان مخابرات و تجمع معلمان سوادآموزی

روز ۲۲ مرداد بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالباتشان در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی خود تجمعات سراسری خود را برپا کردند. این تجمعات در این هفته در شهرهای تبریز، اصفهان، رشت، سنندج، اهواز، کرمانشاه برگزار شدند.

اعتراض بازنشستگان به فقر و گرانی و فشار معیشتی، تبعیضها و نابرابریها، اختلاسها و دزدیها و سرکوبگریهای حکومت است. بازنشستگان مخابرات به چپاولگریهای ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد تعاون سپاه و مدیران مخابرات و عدم اجرای آئین نامه مصوب سال ۸۹ که میتواند بهبودی در سطح درآمد آنها ایجاد کند و برخی مطالبات پرداخت نشده دیگرشان است.

همچنین معلمان نهضت سوادآموزی در اعتراض به وضع بد معیشتی و با مطالبه استخدام رسمی مقابل آموزش و پرورش تجمع کردند.

روز گذشته شانزدهم مرداد ماه اعتراضات گسترده کارگران ارکان ثالث و شرکتی، پالایشگاه پنجم، نهم، دهم و یازدهم پارس جنوبی از سر گرفته شد. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) در رابطه با این اعتراضات مینویسد: "ما کارگران پارس جنوبی، بر خلاف موارد قبل که عده‌ای با عنوان نمایندگان کارگری در جریان مناسبات بهمن ماه سال گذشته اعتراضات ما را به تعویق انداختند، اعلام می‌کنیم، تا تحقق کامل خواسته‌هایمان و پاسخگو کردن مدیران چپاول گر نفت و حذف کامل شرکتیهای پیمانکاری مفتخور و افزایش مزد، دوش به دوش کارگران پروژه ای و رسمی و قراردادی در نفت ایستاده ایم و برخلاف ادعای اتحادیه دولت ساخته کانون انجمن صنفی کارگران پالایشگاه های گاز استان بوشهر، اعتراضات ما در اعتراض به فساد موجود در پارس جنوبی و زد و بند های عوامل این اتحادیه با کارفرما و پیمانکاران است و بیانیه های فرمایشی کانون انجمن صنفی هیچگونه ارتباطی با مطالبات برحق ما کارگران ندارد".

این شورا ضمن گزارش این اعتراض، بر اتحاد و همبستگی کارگران همه بخشهای نفت تاکید کرده و در آخر همه کارگران شرکتی و ارکان ثالث را به پیوستن به اعتراضات هفتگی و همبستگی با اعتصابات وسیع کارگران پروژه ای و رسمی فراخوانده است.

اعتراضات در نفت گسترده است. اعتصاب بخش عظیم کارگران پروژه ای نفت برای پیگیری مطالباتشان ادامه دارد. اعتراضات کارگران رسمی نفت که از مهر ماه گذشته در اعتراض به تعرضات معیشتی حکومت آغاز شده است نیز هر هفته ادامه دارد. حزب کمونیست کارگری از اعتراضات کارگران نفت حمایت میکند و همه بخش های جامعه را به حمایت از مبارزات این کارگران فرا میخواند.



کارگران در هفته ای که گذشت

تنظیم کننده کارگر کمونیست

دوشنبه ۲۲ مرداد: بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالباتشان در شهرهایی چون تبریز، اصفهان، رشت، سنندج، اهواز، کرمانشاه تجمع کردند.

- پرستاران در شهر یزد در بیمارستانهای رهنمون و صدوقی اعتصاب کردند

- پرستاران در جهرم و بیمارستان‌های گلستان و بقایی در اهواز، بیمارستان باغملک و پرستاران دانشگاه علوم پزشکی مازندران برخی از بخشهای بیمارستان حاج محمود حاج حیدر لامرد به اعتراضات پیوستند.

-اعتصاب کارگران واگن پارس اراک دامه یافت.

یکشنبه ۲۱ مرداد: -پرستاران در جهرم با شعارهای "پرستار داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "پرستار می میرد، ذلت نمی پذیرد" پیگیر مطالباتشان شدند. بعلاوه کادر درمانی بیمارستان‌های گلستان و بقایی اهواز و بیمارستان باغملک هم به اعتراضات سراسری پرستاران پیوسته اند.

- کارگران کارخانه زمزم آذربایجان در اعتراض به سطح نازل حقوق و مزایای خود دست از کار کشیدند. این اعتصاب از دیروز آغاز شده و تا هم اکنون ادامه دارد.

- اعتصاب کارگران شرکت فریکو در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه مزد و حق بیمه چند ماه اخیرشان ادامه دارد. سه هفته از این اعتصاب میگذرد و به گفته کارگران وضعیت پرداخت حقوق در این شرکت در طول سالیان گذشته، همه همین روال بود و از آغاز سال جاری بدتر شده است. برخی از این کارگران تا هجده سال سابقه کار دارند.

- کارگران کارخانه ی "لاستیک پارس" در اعتراض به وضع بد معیشتی و کاری خود مقابل کارخانه تجمع کردند.

- جمعی از کارگران اخراجی گروه ملی فولاد ایران در اهواز بار دیگر در مقابل استانداری خوزستان تجمع کرده و خواستار بازگشت به کارشان شدند. این کارگران در اعتراضات گسترده کارگران گروه ملی فولاد اهواز که خیابانهای شهر را به تکان درآورد از کار اخراج شدند.

- اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته دستگیر شد. او در پی یورش به خانه اش در هفدهم مرداد ماه پس از تماس مجدد نیروهای امنیتی در ساعت ۷ صبح این روز، به دادسرا مراجعه کرد و طبق تصمیم بازپرس و ضابط پرونده قرار بازداشتش صادر و به زندان اوین منتقل شد.

- بازنشستگان تامین اجتماعی به روال هر هفته در شهرهای مختلفی چون شوش، اهواز، تهران و کرمانشاه تجمع کردند. در این روز بازنشستگان فولاد در اصفهان نیز در اصفهان برای پیگیری مطالبات خود تجمع داشتند.

جمعه ۱۹ مرداد: موج جدیدی از اعتراضات پرستاران در چند روز اخیر در شهرهای مختلف به جریان افتاده است. در ادامه این اعتراضات امروز بیستم مرداد ماه نیز پرستاران برای پیگیری مطالباتشان در چندین شهر دست به اعتراض زدند. شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران اعلام کرده است که در این روز در فسا، زنجان، آباد، شیراز و تبریز اعتراضات و تجمعات آنها جریان داشته است.

- کارگران رسمی عملیاتی‌های جنوب در ادامه اعتراضات خود در شرکت نفت فلات قاره منطقه بهرگان و لاوان دسته به تجمع زدند.

پنجشنبه ۱۸ مرداد: -مریم مهرابی ۲۹ خرداد امسال به همراه دو دختر خردسالش

توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود در اصفهان بازداشت شد. او با اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "تشویق مردم به کشتار" در دادگاه انقلاب اصفهان به شش سال حبس و دو سال محرومیت از خدمت و دو سال ممنوع‌الخروجی محکوم شده است. او پیشتر در اسفندماه سال ۱۴۰۱ نیز بازداشت شده بود. محمود مهرابی از بازداشت شدگان انقلاب است و در بهمن ۱۴۰۱ به علت افشاگریهایش درباره مسئولان شهری اصفهان در اینستاگرام خود، بازداشت و در زندان دستگرد بسر میبرد. او در مهر سال جاری با صدور کیفرخواستی به ۱۸۷ اتهام و و به "افساد فی الارض" متهم و به اعدام محکوم شد.

- اعتصاب قدرتمند کارگران واگن پارس برای دوازدهمین روز ادامه دارد. بنا بر اخبار دریافتی روز گذشته استاندار این استان با رفتن به کارخانه و دادن وعده و وعیدهایی از کارگران خواست که سرکار بازگردند. اما کارگران وقتی به این وعده ها نگذاشته و اعلام کردند که تا عملی شدن خواستههایشان به اعتصاب ادامه میدهند.

چهارشنبه ۱۷ مرداد: اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای بر سر سه خواست فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران ادامه دارد. بنا بر خبرهای منتشر شده "در برخی از مراکز نفتی پیمانکاران به ناگزیر ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت را پذیرفته اند. تاکید کارگران اینست که باید حقوق کامل ماه به آنها پرداخت شود و ۳۵ درصد افزایش حقوق نیز منظور شده باشد، بعلاوه دستمزدها به موقع پرداخت شود. در عین حال باید دیگر مطالبات کارگران پروژه ای از جمله بهبود کامل کیفیت غذا و شرایط زیستی در کمپها و ایمنی محیط کار تامین گردد. همچنین حذف پیمانکاران یک خواست سراسری کارگران در نفت و جزو مطالبات اعلام شده کارگران پروژه ای است

- کارگران مجتمع ذوب و احیاء روی قشم، در اعتراض به بی‌احترامی مدیر تولید به کارگران، دستمزد پایین و نقض حقوق ابتدایی پرسنل دست به اعتصاب زدند.

- پرسنل دانشگاه علوم پزشکی فسا با فریاد مسئول بی لیاقت استعفاء، استعفاء" دست به تجمع زدند

- اعتصاب قدرتمند کارگران واگن پارس در اراک بیش از ده روز است ادامه دارد. اعتراض این کارگران به شرایط شغلی، مزدی و اخراج ها ست.

- ماموران امنیتی حکومت با یورش به منزل کارگر بازنشسته اسماعیل گرامی پس از بازرسی خانه، گوشی موبایل و لبتاپ و کارت ملی او را با خود بردند. در احضاریه همراه ماموران قید شده که این فعال کارگری در ۵ روز آینده خود را به دادسرای اوین (شهید مقدس...) معرفی کند. این در حالیست که در ماه گذشته دادگاه اسماعیل گرامی برگزار شده و حکم بدوی صادر شده و این فعال کارگری در انتظار دادگاه



از حق کار و زندگی و تحصیل و حقوق اجتماعی همه مهاجران و پناهندگان در ایران باید دفاع کرد. تعرض به یک انسان به بهانه ملیت یا مذهب یا رنگ پوست و ده‌ها برچسب ضدانسانی دیگر، تعرض به همه جامعه است و اهدافی ضدانسانی علیه همه جامعه را دنبال می‌کند و عکس‌العمل همه جامعه را طلب می‌کند. جنبش انقلابی زن زندگی آزادی دست یاری به‌سوی همه مردم ساکن ایران دراز می‌کند و همه را به مبارزه علیه نژادپرستی فرامی‌خواند.

سازمانها، نهادها و فعالین جنبش‌های اعتراضی و سازمان‌دهندگان اعتراضات و اعتصابات کارگری، فعالین حقوق زن و دانشجویان مبارز، نویسندگان و هنرمندان و ورزشکاران معترض و همه مردم شریف و آزاده را فرامی‌خوانیم که دست در دست مهاجرین حق طلب و معترض جنبش وسیعی را علیه فاشیسم حکومتی و غیر حکومتی سازمان دهیم. این صفوف همه ما را در مقابل جمهوری اسلامی و تفرقه‌اندازی‌های آن تقویت می‌کند. #پایت_را_از_گلویم_بردار

زنده باد انسانیت، زنده باد زندگی

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۹ مرداد ۱۴۰۳ - ۹ اوت ۲۰۲۴

فاشیسم جمهوری اسلامی علیه مهاجرین افغانستانی را در هم بشکنیم!

ویدئوی رفتار وحشیانه نیروی سرکوب جمهوری اسلامی با پسر بچه ۱۵ ساله افغانستانی موجی از اعتراض برانگیخته است. بسیاری این برخورد وحشیانه را با مورد مشابه برخورد پلیس آمریکا با جورج فلویید که زیر پای پلیس جان سپرد مقایسه کرده و با هشتگ "پایت را از گلویم بردار" شروع به اعتراض کرده‌اند. این ویدئو بار دیگر توجهات را به برخورد فاشیستی جمهوری اسلامی با مهاجرین افغانستانی جلب کرده است. برخورد وحشیانه با سید مهدی، نمونه‌ای از برخورد هر روزه حکومت با مهاجرین افغانستانی است. در برابر فاشیسم اسلامی علیه این بی‌دفاع‌ترین شهروندان در ایران ساکت نشست. پناهندگان جزئی از جامعه هستند و باید از حقوق برابر با همه مردم در همه زمینه‌ها برخوردار باشند. زیر پا نهادن حقوق انسانی زحمتکشان گریخته از دست طالبان در خدمت تعرض به حقوق همه مردم است و آن را نباید تحمل کرد. انسانیت شعاری تئیده شده در انقلاب زن زندگی آزادی است. باید بتوانیم همه انسان‌های ستم‌دیده را جذب مبارزه برای سرنگونی کنیم. این نیروی چندمیلیونی را می‌شود بدل به نیروی جنبش انقلابی زن زندگی آزادی کرد. این انسان‌ها دشمن ما نیستند. دشمن همه ما جمهوری اسلامی است.

در برابر فاشیسم اسلامی علیه این

کارگران در هفته ای که گذشت... از صفحه ۱۴

تجدیدنظر و صدور حکم نهایی است.

سه شنبه ۱۶ مرداد: - کارگران واگن پارس اراک علیه اخراجها ادامه دارد. این کارگران روز گذشته در هشتمین روز اعتراضاتشان در یکی از خیابانهای شهر دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این روز سیل جمعیت کارگران معترض کارخانه واگن پارس اراک و فریاد شعارهایشان فضای شهر را تحت تاثیر قرار داده بود. کارگران شعار میدادند: "توپ تانک فشفشه وزیر باید عزل بشه"، و "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد".

- کارگران شهرداری سربندر (خوزستان) نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق برج ۳ و ۴ همچنین ۵ ماه بیمه عقب افتاده دست به اعتصاب زدند.

- کامیون داران اصفهان کماکان در اعتراض به کمبود سهمیه گازوئیل و فشار سخت معیشتی در اعتصاب بسر می‌برند.

- کارگران ارکان ثالث و شرکتی، پالایشگاه پنجم، نهم، دهم و یازدهم پارس جنوبی از سر گرفته شد. اهم مطالبات اعلام شده این کارگران عبارتند از: اصلاح کامل مصوبه ناعادلانه مزدی شورای عالی کار، حذف کامل شرکتهای پیمانکاری، بازگشت به کار حجت رضایی کارگر رسمی اخراجی پالایشگاه ششم، اجرای توافقات قبلی در زمینه مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل برای همه کارگران پیمانکاری، تغییر شرایط تردد و دستمزد رانندگان استیجاری و اجرای طرح طبقه‌بندی برای رانندگان غیرمالک، اجرای بدون تبعیض تردد ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی.

دوشنبه ۱۵ مرداد: بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالباتشان همچون هفته های گذشته در شهرهای مختلفی تجمع کردند. این تجمعات در این هفته در شهرهای کرمانشاه، ارومیه، اصفهان، اردبیل، زنجان، سنندج، تهران، میوان، اهواز، تبریز، همدان و بندرعباس برگزار شدند.

- پرستاران در اکثر بیمارستانهای شیراز از جمله در بیمارستان های چمران، رجایی، قلب الزهرا، ابن سینا، و محرری در اعتصاب بودند. مبلغ ناچیز اضافه کاری (ساعتی ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان)، عدم پرداخت آیم های رفاهی و مبلغ ناچیز آن، تبعیض در پرداخت تعرفه ها و عدم شفافیت در میزان آن، عدم اجرای ابلاغیه فوق‌العاده خاص و اصلاح ضریب حقوق پرستاران و عدم تامین نیروی انسانی و کار طاقت فرسا و فشار کار بسیار و اجبار به اضافه کاری از جمله موضوعات اعتراضی آنهاست که معضل همه پرستاران است. از اعتراضات و خواستههایشان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

- معلمان خرید خدمت با خواست استخدام در آموزش و پرورش و در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی خود مقابل دفتر پزشکيان تجمع کردند.

- اعتراضات کشاورزان به بی آبی و علیه مافیای آب و با خواست حقایق و بازگرداندن آب زاینده رود ادامه دارد و در شب یکشنبه کشاورزان همراه با خانواده هایشان در تحصن بودند.

- کارگران رسمی نفت برای پیگیری مطالباتشان روز گذشته ۱۴ مرداد ماه کارگران رسمی نفت شاغل در سکوی نصر دست به تجمع زدند.

- اعتراضات کادر درمان و پرستاران در بیمارستان های مختلف برای پیگیری مطالباتشان گسترش یافته است. طبق این گزارشات اعتصابات بیمارستان های کرج از سه شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳ با آغاز اعتراضات پرستاران بیمارستان امام علی کرج، شروع شده و نیروهای پرستاری در اعتصاب کامل بسر می‌برند و تنها تعداد معدودی از سوپروایزرها و نیروها برای رسیدگی به بیماران از پیش بستری شده سر کار حاضر می‌شوند.

- شیوا عاملی راد نماینده روابط بین المللی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به نمایندگی از این نهاد و معلمان در ایران در دهمین کنگره جهانی آموزش بین الملل در بوینس آیرس، آرژانتین شرکت کرد.



محکوم کرده است. خانواده کیان این اتهام و محاکمه را کاملاً بی اساس اعلام کرده و تاکید می‌کنند که در جلوی چشم آنها ماموران حکومتی با شلیک به خودروی آن‌ها، باعث کشته شدن هفت نفر از جمله کیان ۹ ساله شدند.

سایر زندانیان محکوم به اعدام علی‌مجدم، معین خنفری، سالم موسوی، محمدرضا مجدم، عدنان موسوی و حبیب دریس نیز در فهرست زندانیانی قرار دارند که با خطر اجرای حکم اعدام مواجه هستند. این افراد در اواخر سال ۹۷ و اوایل ۹۸ به اتهامات مختلف بازداشت شده و پس از ماه‌ها شکنجه در بازداشتگاه‌های اطلاعات سپاه، به اعدام محکوم شده‌اند.

سه شنبه ۱۶ مرداد

- کارگران شهرداری سربندر (خوزستان) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماه ۳ و ۴ همچنین ۵ ماه بیمه عقب افتاده دست به اعتصاب زدند.

- وضعیت سیزده زندانی عقیدتی محبوس در بند هشت زندان شیپان اهواز به لحاظ جسمانی وخیم است. اسامی این زندانیان عبارتند از: علی‌رضا فریسات، وسام مزرعه، یوسف ساعدی، قاسم بروایه، محمد الحایی، حسن نعمی، علی کعبی، محمد باوی، توفیق بالدی، علی سویدی، حافظ سلامات، عادل بدوی و عباس سواعدی.

بنا بر خبر این زندانیان از رسیدگی و درمان محروم مانده‌اند. علی‌رضا فریسات، نیازمند عمل جراحی رباط پا است. محمد الحایی، توفیق بالدی، قاسم بروایه، عباس سواعدی و یوسف ساعدی نیز از مشکلات دیسک کمر و زانو درد رنج می‌برند. وسام مزرعه نیز با مشکلات جسمانی از جمله غده بدخیم در ناحیه سر مواجه است.

- ساعت دوازده ظهر این روز منصور خلقی کارگر پروژه تامین نیروی فولاد خوزستان در میان اندوه خانواده و همکارانش به خاک سپرده شد. منصور خلقی دقایقی پیش از پایان دادن به زندگی‌اش در روز ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ در ویدئویی، پر از خشم و اعتراض از خاتمه زندگی‌اش می‌گوید. وقتی همکاران وی در ساعت ۷ صبح روز شانزدهم مرداد استوری او را دیدند به منزل وی که در کوی معین‌زاده اهواز واقع است، رفتند. اما با کمال تأسف دیگر دیر شده بود و منصور خلقی خودش را دار زده بود. این ویدئو توسط همکارانش در شبکه اجتماعی منتشر شده است. درگذشت این عزیز را به خانواده‌اش و همکارانش و همگان تسلیت می‌گوییم. منصور خلقی یکی از قربانیان سیستم ناعادلانه و ضد انسانی و چپاولگر حاکم است.

منصور خلقی کارگر معترض به خشم آمده‌ای بود. به دلیل تبعیض، دیرکرد دریافت حقوق و پاسخگو نبودن مدیریت به درخواست‌های کتبی و مکرر او برای تبدیل وضعیت پس از ۸ سال کار در این شرکت، به عنوان نیروی پروژه به زندگی خود پایان داد. اما همانجا می‌گوید امیدوارم روزی برسد که دست شما از مملکت کوتاه شود. و آرزوی موفقیت و شادی برای همکارانش می‌کند و تک تک همکارانش را نام

از خوزستان خبر می‌رسد؟

۱۲ تا ۱۹ مرداد ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۹ مرداد

- پیروز نامی دبیر کانون صنفی معلمان خوزستان با اتهامات امنیتی جهت محاکمه برای روز ۲۲ مرداد جاری به دادگاه احضار شد. این چندمین بار است که پیروز نامی این معلم معترض در سالهای اخیر زیر فشار و مورد پیگرد قرار می‌گیرد. پیش از این نیز دادگاه انقلاب اهواز و دادگاه کیفری با فشار نیروهای امنیتی در سه حکم جداگانه وی را به مجازات حبس و جزای نقدی محکوم کرده بودند ولی در نهایت شعبه ۲۱ دادگاه تجدید نظر اهواز قرار منع تعقیب وی را صادر کرده بود. پرونده تشکیل شده برای پیروز نامی باید فوراً مسدود شود.

پنجشنبه ۱۸ مرداد

- اعتصابات کارگران پروژه ای نفت برای پیگیری مطالباتشان وارد پنجاهمین روز خود شد. این درحالیست که اعتراضات کارگران ارکان ثالث در پالایشگاههای مختلف پارس جنوبی را نیز با خواست محوری حذف پیمانکاران و افزایش حقوقها در این هفته شاهد بودیم.

گرمای هوا در شهرهای جنوبی از جمله در خوزستان طاقت فرساست. غالباً در فصل گرما بویژه در مجموعه‌های پالایشگاهی نیروهای ستادی تعطیل میشوند و یا ساعت کار آنها کاهش می‌یابد اما نیروهای عملیاتی به همان روال همیشه به کار خود ادامه میدهند و بسیاری از آنها دچار گرم‌زدگی و بیماری میشوند. این شرایط برده وار یک جنایت آشکار در قبال کارگران است و یک موضوع اعتراض کارگران پروژه ای نفت در اعتراضاتشان بوده است. از جمله شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در اطلاعیه ای از قربانی شدن یکی از کارگران پالایشگاه اول مجتمع گاز پارس جنوبی در تاریخ دوشنبه ۱۵ مرداد خبر داد. این درحالیست که سازمان هواشناسی و بدنال آن استانداری طی بخشنامه و اطلاعیه‌هایی نسبت به این موضوع اخطار داده بودند. اما پیمانکاران مفتخور و جنایتکار در پناه سکوت حکومت حامی سرمایه داران فاسد از اجرای هر بخشنامه ای در جهت تامین امنیت کارگران امتناع کرده و هیچگونه امکانات سرمایشی حتی آب خنک نیز در اختیار کارگران قرار نمی‌گیرد. خبرها از امکان گرم‌تر شدن هوا طی روزهای آینده در خوزستان و در بسیار از مناطق در جنوب ایران حکایت میکند.

چهارشنبه ۱۷ مرداد

بعد از موج اعدام‌های اخیر در سراسر ایران، نگرانی‌ها از اجرای حکم اعدام هشت زندانی سیاسی در زندانهای اهواز، شیپان، و سپیدار بالا گرفته است. این زندانیان به اتهامات سیاسی، به اعدام محکوم شده‌اند. عباس دریس یکی از بازداشت شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ و شاهد کشتار حکومت در نزارهای ماهشهر است. او متهم به قتل یکی از نیروهای امنیتی در جریان این واقعه شده است. ماهشهر یکی از مکان‌های اصلی اعتراضات در اعتراضات مردمی در سال ۹۸ بود.

مجاهد کورکور متهم به تیراندازی در شهرستان ایذه یکی دیگر از زندانیان است که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی دستگیر شد. جمهوری اسلامی مجاهد کورکور را به «اتهام «قتل کیان پیرفلک در آبان ۱۴۰۱ در شهرستان ایذه به اعدام



کارگران واگن پارس اراک به اعتصاب گسترده خود ادامه میدهند

کارگر می میرد، ذلت نمیپذیرد

اعتصاب قدرتمند کارگران واگن پارس برای دوازدهمین روز ادامه دارد. بنا بر اخبار دریافتی روز گذشته استاندار این استان با رفتن به کارخانه و دادن وعده و وعیدهایی از کارگران خواست که سرکار بازگردند. اما کارگران وقعی به این وعده ها نگذاشته و اعلام کردند که تا عملی شدن خواستههایشان به اعتصاب ادامه میدهند. کارگران خواستار بازگشت به کار فوری همکاران اراچی و دیگر مطالبات اعلام شده شان هستند. مقامات مسئول در برابر اعتراضات گسترده کارگران واگن پارس و فریاد شعارهایشان در کف خیابان که تاثیر مستقیمی بر فضای شهر اهواز دارد، کارگران را به کارگران گفته اند که تحصن و تجمع در داخل شرکت اشکالی ندارد اما کشیده شدن اعتراض به خیابان امنیتی است و باعث درد سر خواهد شد. ضمن اینکه شبیه و یکشنبه را هم به بهانه قطعی برق تعطیل اعلام کرده اند.

بدینگونه مدیریت مفتخور و چپاولگر واگن پارس در پناه پشتیبانی حکومتی با اخراج و تعرض به معیشت کارگران امنیت و زندگی آنها را به خطر انداخته است و وقتی کارگر به خیابان می یاید علیه بساط چپاولگری حاکم به اعتراض برمیخیزد و با فریاد "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد" علیه این شرایط بردگی و توحش می ایستند، آنرا امنیتی میخوانند و کارگران را مورد تهدید قرار میدهد. امروز هفدهم مرداد ماه علیرغم همه این تشبثات اعتصاب کارگران واگن پارس ادامه داشت و کارگران در

پشت گیت کارخانه در تحصن بوده و خواستار پاسخ فوری به مطالباتشان هستند. خواستههای فوری دیگر این کارگران عبارتند از: برکناری مدیریت، رفع تبعیض ها، پایان کار پیمانکاران، همسان سازی حقوق و مزایای کارگران با دیگر کارخانجات همجوار و گروه مپنا، رسمی شدن قرارداد کارگران، و بازگشت به کار کارگران اراچی.

همانطور که قبل هم اعلام کردیم شرکت واگن پارس شرکت وابسته به گروه صنعتی "مپنا" است که عمده ی سهام آن به وزارت نیرو و نهاد معلوم الحال موسوم به "استان قدس رضوی" تعلق دارد و کارگران به چپاولگری های حاکم در این شرکت که یکسرش به سران حکومت وصل است اعتراض دارند. از اعتراضات کارگران واگن پارس وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۸ مرداد ۱۴۰۳، ۸ اوت ۲۰۲۴

است. تاکنون دادگاهی برای رسیدگی به اتهامات این افراد برگزار نشده و همچنان بلاتکلیف هستند.

یکشنبه ۱۴ مرداد

- بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای مختلف از جمله در خوزستان در شهرهای شوش، اهواز به روال هر هفته برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. شنبه ۱۳ مرداد

- هومن صیدالی ۱۹ ماه است که در زندان شیپان اهواز بلاتکلیف است.. وی از ساکنان روستای پرسپلا در قلعه تل ایذه بود که در جریان یورش نیروهای امنیتی به این روستا بازداشت شد. مقامات قضایی با گذاشتن وثیقه فوق سنگین ۵۰ میلیارد تومانی عملا آزادی مشروط وی را غیرممکن کرده اند. خانواده صیدالی توانایی مالی پرداخت چنین وثیقه ای را ندارند. این موضوع منجر به تداوم بازداشت زندانی سیاسی هومن صیدالی شده است. هومن صیدالی، یکی از بازداشت شدگان انقلاب است که علیرغم گذشت نزدیک به هجده ماه از زمان بازداشت، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان شیپان اهواز بسر میبرد.

جمعه ۱۲ مرداد

- اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای نفت بر سر سه خواست فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران در مناطق مختلف از جمله در مراکز نفتی در خوزستان ادامه دارد. در برخی از مراکز نفتی پیمانکاران به ناگزیر ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت را پذیرفته اند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۹ مرداد ۱۴۰۳، ۹ اوت ۲۰۲۴

از صفحه ۱۵

از خوزستان خبر میرسد...

میرد.

همکاران منصور خلفی میگویند: "هفته گذشته ۸۰ نفر بدون سابقه کار و بدون هیچ گونه آزمونی وارد شرکت شدند که اساسا گزینشی از میان خودی هایشان است. اما ما نیروهای شرکت با چندین سال سابقه و داشتن مدرک لیسانس هنوز نتوانسته ایم نیروی مستمر شویم".

دوشنبه ۱۵ مرداد

- در این روز بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی از جمله در اهواز دست به اعتراض و تجمع زدند.

- امان جلالی نژاد، معلم ساکن اهواز، ۱۱۹ روز است که توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و هیچ اطلاعی از سرنوشت او در دست نیست. این موضوع نگرانی عمیقی را در میان خانواده، دوستان و همکاران او ایجاد کرده است.

امان جلالی نژاد در ۲۰ فروردین ۱۴۰۳ در ورودی اهواز توسط ماموران امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

او همراه با جعفر سلمان نژاد، مهدی معمار، محمد سلامات، راستین قنوتی و مهشید لطفی، در یک پرونده مشترک در داسرای انقلاب اهواز از بابت اتهامات تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه های مخالف نظام مورد تفهیم اتهام قرار گرفته

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

**به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!**



اعتصابات سراسری پرستاران در شهرهای مختلف ادامه دارد

اعتراضات پرستاران گسترش بیشتری یافته و ابعادی سراسری بخود گرفته است.

روزشماری از دور جدید اعتصابات پرستاران:

۲۲- مرداد اعتصاب پرستاران و کادر درمانی در شهر یزد در بیمارستانهای رهنمون و صدوقی

۲۱- مرداد اعتصاب پرستاران در جهرم و بیمارستانهای گلستان و بقایی در اهواز، بیمارستان باغملک و تجمع پرستاران دانشگاه علوم پزشکی مازندران در مقابل دانشگاه و اعتصاب پرستاران در برخی از بخشهای بیمارستان حاج محمود حاج حیدر لامرد. در این روز اعتصابات پرستاران در شیراز و کرج وارد هشتمین روز خود شد. در شیراز ۹۰ درصد بیمارستانها به اعتصاب پیوستند و بیمارستان های شیراز (بجز بخش اورژانس) همچنان خالی از پرستار است و تمام عمل ها لغو شده اند.

۲۰- مرداد: پرستاران در شهرهای فسا، زنجان، آباء، تبریز و بیمارستانهای شیراز و کرج در اعتصاب بودند. در فسا کادر درمان همراه با فرزندانشان جلوی دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند. در این اعتصابات پرستاران طرحی، قراردادی و شرکتی نیز شرکت دارند. نیروهای قرارداد معین تبصره ۴ حدوداً ۱۵ سال است که در بالاترین شغلی بسم میروند.

۱۷- مرداد تجمع اعتراضی پرستاران مرکز آنکولوژی امیر در شهر شیراز و ادامه اعتصاب پرستاران اتاق عمل بیمارستان چمران شیراز

۱۶- مرداد تجمع و اعتصاب پرستاران بیمارستانهای سینا، رجایی، چمران، استاد محرری و قلب الزهرا در اصفهان

۱۵- مرداد اعتصاب بیمارستان های بزرگ چمران و رجایی در شیراز و گسترش اعتصابات به بیمارستانهای امام علی، کوثر، امام حسین، رجایی و شریعتی و مدنی در کرج.

۱۵- مرداد: در این روز پرستاران بیمارستانهای هرمزگان و بندرعباس نیز به اعتصاب پیوستند.

۱۴- مرداد اعتصاب بیمارستان شریعتی کرج

۱۳- مرداد اعتصاب پرستاران بیمارستان شهید رجایی، کوثر و بخش اتاق عمل

بیمارستان شهید مدنی در کرج
۹- مرداد اعتصابات پرستاران از بیمارستان امام علی کرج آغاز و در روزهای بعدی به سرعت در چندین بیمارستان گسترش یافت.

در بسیاری از استانها از جمله در شیراز با تهدید پرستاران به پرونده سازی قضایی، حکومت تلاش کرده است صف متحد مبارزات را عقب براند ولی پرستاران هوشیاری، متحدانه به اعتراضات خود ادامه میدهند. شورای هماهنگی پرستاران ضمن گزارش اخبار این اعتراضات خواستار حمایت همه بخشهای مردم از مبارزات پرستاران شده است.

اهم موضوعات اعتراضات پرستاران عبارتند از: اضافه کاری های اجباری، پایین بودن حقوق، تاخیر یکساله در پرداخت کارانه، تبعیض در پرداخت تعرفه ها و یا پرداخت نکردن آن، کار سخت و فراوان و شیفت های کاری زیاد و استاندارد پایین درمان در بیمارستانها.

به گفته پرستاران اعتصابی حقوق تعدادی از آنان حدود ۱۳ میلیون تومان است و بخش بزرگی از آن صرف اجاره مسکن میشود. اضافه کاری اجباری است، اما هر ساعت اضافه کاری ۱۶ هزار و ۵۰۰ تا ۱۷ هزار تومان است و همین اضافه کاری را هم به موقع پرداخت نمی کنند.

شعارهای اعتراضی پرستاران در تجمعاتشان عبارتند از: "پرستار داد بزن حق تو فریاد بزن"، "نه به اضافه کاری اجباری"، "پرستار میمیرد ذلت نمیپذیرد"، "با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم"، "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه"، "تعرفه ما کجاست توی جیب شماهاست"، و "اتحاد علیه فقر و فساد"

اعتراضات پرستاران و مطالباتشان مستقیماً به همه مردم مربوط است و اعتراضات آنان شایسته وسیعترین حمایت هاست. حزب کمونیست کارگری همه بخش های مردم را به حمایت از اعتراضات پرستاران که در شهرهای مختلف در جریان است فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۲ مرداد ۱۴۰۳، ۱۲ اوت ۲۰۲۴

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در حمایت از

پرستاران

در واکنش به اعتراضات پرستاران حراست و ریاست بیمارستان در شیراز برای ارعاب پرستاران ماده ۲۹۵ را در تابلو اعلانات نصب کرده و در آن تاکید شده است که در صورت بروز مشکل مقصر پرستارانی هستند که ترک کار کرده اند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در حمایت از اعتصابات پرستاران با همپوشانی تجربه مبارزات معلمان نوشت: "این حربه نخ نما برای معلمان بسیار آشنا است که در موقع تحصن، مدیر، حراست و سایر عوامل سرکوب که به دنبال توقف تحصن هستند می گویند اگر اتفاقی در کلاس رخ دهد مقصر با معلم آن کلاس است. اما معلمان آگاه مرعوب این شیوه ها نمی شوند چرا که مسئولیت مدرسه با مدیر مدرسه و در بیمارستان با عوامل آنجاست نه پرستاران.

در اصل مقصر اصلی کسانی هستند که خدمات درمانی و آموزشی را به کالا تبدیل کرده اند؛ نیروی کار درمانی و آموزشی را استعمار میکنند؛ حقوق و دستمزد آنان را زیر خط فقر نگه میدارند و موقع مطالبه گری سرکوب می کنند. استمرار اعتراضات در قالب تشکلهای مستقل تنها راه چاره کارگران، معلمان و پرستاران است."

مطالبات اعلام شده پرستاران در شیراز

پرستاران طی بیانیه ای خواستههای فوری خود را در یازده بند اعلام کرده اند که عبارتند از: "تصحیح و تجدید نظر در مبلغ احکام پرستاری و تطبیق احکام با پرستاران سایر ارگانها از جمله شرکت نفت با توجه به یکسان بودن کار، برقراری فوق العاده خاص با ضریب ۳، اجرای صحیح قانون تعرفه گذاری پرستاری، برقراری کارانه ی حذف شده، تصحیح حق مسکن در احکام پرستاری، عدم اضافه کاری اجباری طبق قانون و آراء متحده ی دیوان عدالت اداری، اجرای صحیح قانون ارتقا بهره وری و حذف حضور فیزیکی و غیر فیزیکی، اجرای صحیح قانون مشاغل سخت و امکان بازنشستگی پرستاران با ۲۰ سال سابقه، تعطیلات موسمی و کاهش ساعات کاری که توسط مقامات مربوطه به صورت مقطعی اعلام میگردد نظیر بدی اب و هوا و ...، درج تمامی ایتام های مزدی به صورت شفاف در فیش حقوقی و با توجه به تورم هر ماه، تسویه حساب تمامی معوقات مالی پرستاری تا کنون. این پرستاران خطاب به دکتر زالی اعتراض خود را به توقف خدمات پرستاری جهت احقاق مطالبات به حقه پرسنل اعلام کرده و پول زیر میزی که جهت مداوا و عمل در بیمارستانهای دولتی از مردم طلب میشود را به نقد کشیده اند.



شریفة محمدی را آزاد کنید!

کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۱۱

کارزار جهانی علیه اعدام و در حمایت از شریفه محمدی و پخش آن عزیز

خواهان لغو فوری تمام احکام اعدام هستیم. ما از صمیم قلب به دایه آذردخت، مادر داغدار رضا رسایی تسلیت می‌گوییم و از اعماق جان با خانواده‌ی داغدار آن‌ها و دیگر خانواده‌های داغدار همدردیم. «در این بیانیه به زینب جلالیان که از اسفند ۱۳۸۶ با حکم حبس ابد و تهدید به تجاوز و انواع شکنجه‌ها برای شکستن عزم راسخ او، هم‌چنان در زندان است نیز اشاره شده است. مادران پارک لاله از کلیه دادخواهان خواسته‌اند که برای دستیابی به مطالبات زیر با آنها همراه شوند:

«آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، لغو مجازات اعدام و شلاق و پایان دادن به هرگونه شکنجه و کشتار از جمله؛ اعدام، ترور، کشتار خیابانی، قصاص و سنگسار، محاکمه و مجازات آمران و عاملان تمامی جنایات صورت گرفته توسط مسئولان جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تا به امروز در دادگاه‌هایی علنی، عادلانه و مردمی (مجازات‌ی به جز اعدام)، برخورداری از آزادی بیان، اندیشه، قلم بدون قید و شرط، برخورداری از حق پوشش و حق کنترل بر بدن بدون قید و شرط، برخورداری از حق اعتراض، اعتصاب، تجمع، تشکل، سازمان و احزاب مستقل، برخورداری از برابری حقوق شهروندی و رفع هرگونه تبعیض و جدایی دین از حکومت.»

اعدام شنیع‌ترین قتل عمد حکومتی است و باید ملغی شود!
زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۰ مرداد ۱۴۰۳، ۱۰ اوت ۲۰۲۴

در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۰ و ۱۱ اوت (۲۰ و ۲۱) مرداد در حداقل ۲۴ شهر در ۱۴ کشور تجمعات اعتراضی علیه اعدام و علیه احکام اعدام شریفه و پخش آن عزیز و سایر احکام اعدام و یا اتهامات بغی سازمان داده شده است.

بازنشستگان کرمانشاه در تجمع خود در روز ۱۶ مرداد با شعار شریفه محمدی آزاد باید گردد از او حمایت کردند. بازنشستگان شوش نیز در فراخوانی که برای تجمع روز ۲۱ مرداد منتشر کرده‌اند بر شعار شریفه محمدی آزاد باید گردد تاکید کرده‌اند.

شورای اتحادیه‌های کارگری استرالیا در نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی در این کشور با اعتراض به صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی، آنرا ظالمانه و غیر انسانی و ادامه سرکوب اتحادیه‌های صنفی و فعالان کارگری در ایران نامید و این حکم و سرکوب اعتراضات تشکل‌های مستقل کارگری، و نقض حقوق اساسی کارگران و حقوق بشر را محکوم کرد. این شورا از جمهوری اسلامی خواسته است که فوراً حکم اعدام شریفه محمدی را لغو کند، به مجازات اعدام پایان دهد، شریفه و سایر فعالان حقوق کارگران، حقوق بشر و فعالان سیاسی زندانی را آزاد کند، به سرکوب اتحادیه‌های کارگری و صنفی پایان دهد و از آزار و اذیت فعالان کارگری و مدافعان حقوق بشر در ایران دست بردارد.

مادران پارک لاله نیز در بیانیه‌ای که روز ۱۸ مرداد منتشر کرده ضمن اشاره به روند اعدام‌ها در ۴۵ سال گذشته و روند رو به رشد مبارزات و خیزش‌های مردم علیه جمهوری اسلامی، و ضمن اشاره به حکم اعدام شریفه محمدی و پخش آن عزیز، اعلام کرده‌اند که «به عنوان صدایی از جنبش دادخواهی مردم ایران، هرگونه سرکوب، بازداشت، شکنجه و صدور احکام ناعادلانه حبس، شلاق، و صدور و اجرای تمام احکام اعدام چه برای زندانیان سیاسی و چه برای زندانیان غیر سیاسی را به شدت محکوم می‌کنیم و همراه با جنبش‌های مستقل و مردمی در ایران ایستاده‌ایم تا پایان و



پاسخ ما به قتل و خشونت در زندانها و خیابان تا چوبه‌های دار پهنه به آید، تاید جنسیتی

ندای زنان ایران
جنبش #زن_زندگی_آزادی تا برپایی یک دنیای شاد آزاد و برابر برای همه انسانها سر باز ایستادن ندارد.

پاسخ ما به قتل و خشونت در زندانها و خیابان تا چوبه‌های دار #نه_به_آپارتاید_جنسیتی

نمایش بگذارد و مردم به جان آمده را به عقب براند.

هر روز با اسامی طرح‌های سرکوب، از حجاب بان، نور و طوبی در خیابانها لشکر کشی می‌کنند تا خاکریز فتح شده حجاب از سوی زنان را باز پس بگیرند به طوری که روزانه شاهد حضور انواع نیروهای امنیتی - نظامی در

در هفته‌های گذشته بخصوص بعد از شکست انتخاباتی حکومت، شاهد خشونت افسارگسیخته حاکمان علیه مردم بویژه زنان هستیم.

از شلیک به #آرزو_بدری، پزشک جوانی که به جرم #بی_حجابی، در خودرو شخصی خود مورد اصابت گلوله قرار گرفت و توان راه رفتن را از دست داد تا جنگ با دختران نوجوان چهارده ساله، #نفس_حاجی_شریف که شبیه به جنایت قتل #مهسا_امینی، سرش را به تیر چراغ برق کوبیدند و در خودرو مرگ گشت ارشاد، زانو به گردنش فشردند. همانطور که در تراژدی حمله به کودک مهاجر افغانستانی، گردن کودک ناشنوا را سبانه زیر فشار زانوی مامور حکومتی، شکستند.

این کابوس جنگ هر روزه زنان و همه انسانهایی است که تحت حاکمیت زور و فساد و تبعیض زندگی می‌کنند. جنگی که با شروع #انقلاب_زن_زندگی_آزادی ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد و زنان و کارگران و معلمان، بازنشستگان و پرستاران، جوانان و دانشجویان و همه مردم را در یک صف مقابل مناسبات حاکم قرار داده است. هم‌چنان که زنان زندانی سیاسی شجاعانه در اعتراض علیه احکام اعدام فعالین زن، تحصن کردند و صدای فریاد هایشان جهانی شد.

همراه با #سه_شنبه_های_نه_به_اعدام هر هفته دست به اعتصاب غذا می‌زنند و در اعتراض به خیر شوک آور اعدام #رضاء_رسایی، سکوت نکردند و مورد حمله وحشیانه گارد زندان قرار گرفته و مجروح شدند. زنان زندانی سیاسی اوین، جانانه در صف مقدم مبارزه علیه دیکتاتوری حاکم، ایستاده‌اند.

حاکمیتی که تلاش می‌کند با اعدام و کشتار و خشونت، سبعت مطلق خود را به

خیابانها، برای حجاب اجباری هستیم و زنان نه تنها قدمی به عقب بر نمی‌گردند، بلکه شاهد شکستن زنجیرهای آپارتاید جنسیتی با قدم‌های استوار زنان بی حجاب همانند #زارا_اسماعیلی هستیم که جسورانه در خیابان آواز می‌خوانند و زنان مردان رهگذری که با هر نوایی در خیابان به رقص در می‌آیند.

رقص و آواز و فریاد اتحاد ما تمام آوار سهمگین چندین دهه مناسبات ضد زن حاکم را به کنار خواهد زد و دور نیست روزی که همچون آغوش زیبایی #کیمیا_علیزاده و #ناهید_کیانی در المپیک، همگی یکدیگر را به آغوش بشاریم و سرود پیروزی سر دهیم. اینچنین است که جنبش #زن_زندگی_آزادی تا برپایی یک دنیای شاد آزاد و برابر برای همه انسانها سر باز ایستادن ندارد.

#زن_زندگی_آزادی #نه_به_حجاب_اجباری #نه_به_آپارتاید_جنسیتی

ندای زنان ایران - مرداد ۱۴۰۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

ادامه اعتصاب کارگران واگن پارس اراک



کارگران واگن پارس در هشتمین روز اعتراضاتشان در یکی از خیابانهای شهر دست به تجمع و راهپیمایی زدند و سیل جمعیت کارگران معترض و فریاد شعارهایشان فضای شهر را تحت تاثیر قرار داده بود. کارگران شعار میدادند: "توب تانک فشفشه وزیر باید عزل بشه"، و "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد".

اخراجی

شرکت واگن پارس شرکت وابسته به گروه صنعتی "مپنا" است و عمده ی سهام آن به وزارت نیرو و نهاد معلوم الحال موسوم به "آستان قدس رضوی" تعلق دارد و کارگران به چپاولگری های حاکم در این شرکت که یکسرش به حکومتیان وصل است اعتراض دارند. از اعتراضات کارگران واگن پارس وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ مرداد ۱۴۰۳، ۱۲ اوت ۲۰۲۴

بنا بر اخبار دریافتی بدنبال دو روز تعطیلی کارخانه واگن پارس به بهانه قطعی برق، امروز این کارگران در ادامه اعتراضاتشان در حالیکه به قصد راهپیمایی در خیابان اصلی شهر از کارخانه خارج شدند با قشون عظیمی از سرکوبگران یگان ویژه شامل موتور سواران و خودروهای مشکی مخصوص سرکوب و پلیس راهور روبرو شدند. در نتیجه کارگران به کارخانه بازگشته و برای بیستمین روز به تجمع و اعتراضاتشان در شرکت ادامه دادند.

همانطور که قبلا گزارش کرده بودیم روز هفدهم مرداد ماه استاندار این استان با رفتن به کارخانه و دادن وعده و وعیدهایی از کارگران خواستار بازگشت به کار شده بود. اما کارگران اعلام کردند که تا عملی شدن خواستههایشان به اعتصاب ادامه میدهند و خواستار بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی و دیگر مطالبات اعلام شده شان هستند. مقامات مسئول از ترس کشیده شدن اعتراض بیش از هزار کارگر این شرکت به خیابان اعلام کرده بودند که تحصن و تجمع در داخل شرکت اشکالی ندارد اما کشیده شدن اعتراض به خیابان امنیتی است و باعث درد سر خواهد شد. در ادامه این خط و نشانها بود که امروز این کارگران تدارک راهپیمایی در خیابان اصلی شهر را دیده بودند.

مطالبات فوری کارگر واگن پارس عبارتند از: برکناری مدیریت، رفع تبعیض ها، پایان کار پیمانکاران، همسان سازی حقوق و مزایای کارگران با دیگر کارخانجات همجوار و گروه مپنا، رسمی شدن قرارداد کارگران، و بازگشت به کار کارگران

تجمع بخش های مختلف بازنشستگان در کرمانشاه، بازنشستگان ۱۴۰۲ در تهران و بازنشستگان مس در کرمان

اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد

از یکسال تاخیر و برخلاف وعده های مکرر وزارت آموزش و پرورش هنوز هم پرداخت نشده و اکنون حداقل ۵۰ درصد از ارزش خود را از دست داده است. برخی دیگر از مطالبات فوری آنان عبارتند از: معوقات حقوق مربوط به رتبه بندی سال ۱۴۰۰ (احکام اولیه، تغییر رتبه، اعتراضات رتبه بندی و...)، تغییرات احکام شاغلی که در حقوق بازنشستگی اعمال نشده است، محاسبه ۲۴ ماهه رتبه بندی که اکنون ۱۸ ماه محاسبه شده است.

این معلمان بازنشسته هم چنین نسبت به بیمه تکمیلی درمان خود اعتراض دارند. و بنری با تاکید با خواست درمان رایگان را بر دست داشتند. تجمع قبلی این بازنشستگان در ۲۶ فروردین امسال در صفی هزاران نفره آنهم در فضای امنیتی اوج تنشها با اسرائیل، برپا شد و پاسخی محکم به حکومت و جنگ افروزی هایش بود. جمعی به یاد ماندنی که الگویی برای برپایی تجمعات بزرگ از سوی بخش های مختلف جامعه بدست داد.

بازنشستگان صندوق بازنشستگی مس بخش دیگر بازنشستگان معترض هستند که در این روز در اعتراض به لایحه ادغام صندوق بازنشستگی مس با تامین اجتماعی، و چپاولگریها از صندوق های بازنشستگی مقابل شورای نگهبان کرمان تجمع داشتند. این تجمع به صورت سراسری و به نمایندگی از ۶ هزار و ۵۰۰ عضو این صندوق صورت گرفته بود و همزمان با کرمان بازنشستگان مس سرچشمه رفسنجان هم تجمع داشتند.

بازنشستگان اعتراض همه مردم علیه سیستم چپاول حاکم را بازتاب میدهند و از خواستهها و مبارزات آنان باید وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری - ۱۶ مرداد ۱۴۰۳، ۶ اوت ۲۰۲۴

امروز سه شنبه ۱۶ مرداد بازنشستگان کشوری در همراهی با بخش های دیگر بازنشستگان در کرمانشاه برای پیگیری مطالباتشان مقابل صندوق بازنشستگی کشوری استان تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی تامینی، اختلاسها و دزدیها و سرکوبگریهای حکومت است و با تجمعات اعتراضی هفتگی خود صدای رسای اعتراض کل جامعه هستند. در تجمع اعتراضی این روز بازنشستگان در کرمانشاه با فریاد "اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد" کل جامعه را به اعتراض علیه بساط فقر و بردگی حاکم فراخواندند. در این تجمع اعتراضی بنرهایی با نوشته "معیشت منزلت، حق مسلم ماست"، "جای معلم زندان نیست" قابل توجه بودند. دیگر شعارهای اعتراضی این بازنشستگان در تجمع امروز عبارت بودند: "بازنشسته به پا خیز، برای رفع تبعیض"، "مالیات بی شمار، امکانات اسفبار"، "آقازاده آمریکاست، تورم مال ماست"، و "مشکل ما این زمان، معیشت است و درمان".

در این روز جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان معلم سال ۱۴۰۲ نیز در تهران تجمع داشتند و صدای اعتراضشان را بخاطر عدم پاسخگویی به خواستههایشان و نپرداختن دیگر مطالباتشان بلند کردند.

در این تجمع حضور زنان چشمگیر بود. بازنشستگان شعار میدادند: "وزیر خیانت میکنه، بودجه حمایت میکنه"، "صحرايي دروغگو! حاصل وعده هات کو؟"، "زحمتکشان دیروز، حق طلبان امروز"، و "نگاه پشت شیشه، جواب ما نمیشه".

به گفته این معلمان پاداش آنها بعد

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



اعتصاب غذای مریم مهربانی و احضار اسماعیل گرامی

متحدانه علیه زندان و اعدام بایستیم

به گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگیان ایران: وضعیت جسمی مریم مهربانی معلم ساکن اصفهان و خواهر محمود مهربانی زندانی سیاسی محکوم به اعدام نگران کننده است. با این حال به جای رسیدگی درمانی به سلول انفرادی منتقل شده است. او در زندان دولت آبد اصفهان بسر میرود و از دوشنبه پانزدهم مرداد ماه در اعتراض به صدور حکم حبس و مجازات‌های تکمیلی علیه خود دست به اعتصاب غذا زده است..

مریم مهربانی ۲۹ خرداد امسال به همراه دو دختر خردسالش توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود در اصفهان بازداشت شد. او با اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "تشویق مردم به کشتار" در دادگاه انقلاب اصفهان به شش سال حبس و دو سال محرومیت از خدمت و دو سال ممنوع‌الخروجی محکوم شده است. او پیشتر در اسفندماه سال ۱۴۰۱ نیز بازداشت شده بود. ماهان (هاجر)، خواهر دیگر محمود مهربانی، ضمن اعلام این خبر بصورت یک ویدئو گفت: "مگر مریم جز دادخواهی برای برادرم کاری کرده است؟.. ما جلوتون می ایستیم کوتاه نمی یایم با این پرونده سازبها و حکمها ما کوتاه نمی یایم.. قویتر میشیم می جنگیم... صدای مریم مهربانی خواهر دادخواهم صدای محمود مهربانی باشین صدای همدیگه باشیم جز همدیگه کسی رو نداریم.."

محمود مهربانی از بازداشت شدگان انقلاب است و در بهمن ۱۴۰۱ به علت افشاگریهایش درباره مسئولان شهری اصفهان در اینستاگرام خود، بازداشت و در زندان دستگرد بسر میرود. او در مهر سال جاری با صدور کیفرخواستی به ۱۸۷ اتهام و و به "افساد فی الارض" متهم و به اعدام محکوم شد.

همصدا با ماهان مهربانی صدای اعتراضی مریم و محمود مهربانی و این خانواده مبارز باشیم. مریم و محمود مهربانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. حکم اعدام محموم مهربانی این حکم جنایتکارانه حکومت علیه او باید فوراً لغو شود.

بنا بر خبر دیگری صبح روز هفدهم مرداد ماه ماموران امنیتی حکومت با یورش به منزل اسماعیل گرامی پس از بازرسی خانه، گوشی موبایل و لبتاپ و کارت ملی او را با خود بردند. در احضاریه همراه ماموران قید شده که این فعال کارگری در ۵ روز آینده خود را به دادسرای اوین (شهید مقدس...) معرفی کند. این در حالیست که

در ماه گذشته دادگاه اسماعیل گرامی برگزار شده و حکم بدوی صادر شده و این فعال کارگری در انتظار دادگاه تجدیدنظر و صدور حکم نهایی است. پرونده امنیتی تشکیل شده برای اسماعیل گرامی این کارگر بازنشسته

معتراض که جرمش بلند کردن فریاد اعتراضی علیه فقر و تبعیض و نابرابری است باید فوراً بسته شود. با گسترش اعتراضات و اتحاد مبارزاتی در سطح سراسری بساط زندان و سرکوب و اعدام حکومت را جمع کنیم. جمهوری اسلامی این حکومت سرکوب و اعدام باید در سطح جهان بایکوت شود. جمهوری اسلامی نابود باید گردد.

آخرین خبر اینکه پیروز نامی دبیر کانون صنفی معلمان خوزستان با اتهامات امنیتی برای محاکمه در ۲۲ مرداد جاری به دادگاه احضار شد. این چندمین بر است که پیروز نامی این معلم معتراض در سالهای اخیر مورد پیگرد قرار میگیرد. پیش از این نیز دادگاه انقلاب اهواز و دادگاه کیفری با فشار نیروهای امنیتی در سه حکم جداگانه وی را به مجازات حبس و جزای نقدی محکوم کرده بودند ولی در نهایت شعبه ۲۱ دادگاه تجدید نظر اهواز قرار منع تعقیب وی را صادر کرده بود. پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای معلمان، فعالین کارگری و همه فعالین سیاسی و آزادی فوری بدون قید و شرط معلمان زندانی یک کارزار مهم معلمان و کارگران است. وسیعاً از این کارزار حمایت کنیم. پرونده تشکیل شده برای پیروز نامی باید فوراً مسدود شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۸ مرداد ۱۴۰۳، ۸ اوت ۲۰۲۳

<https://www.free-them-now.com>

بنا بر آخرین خبر اسماعیل گرامی در بیست و یکم مرداد بازداشت شد و باید فوراً و بدون قید و شرط زاد شود!

زندانیان در ۱۸ زندان گسترش یافته است، فریاد #نه_به_اعدام به شعار همگانی همه ما دادخواهان و مردم معتراض از کارگر و معلم و بازنشسته بدل شده است.

حکومتی که هر روز با شکست مفتضحانه ای در سیاست های داخلی و خارجی روبرو می شود، پاسخی جز سرکوب و اعدام در برابر مطالبات برحق ما مردم ندارد. پاسخ درنده خوبی حاکمان کشتار و اعدام را با مبارزات هر چه وسیعتر، خواهیم داد.

خانواده زنده یاد #رضنا_رسایی را در برگزاری مراسم یادبود جوان جانباخته خود، همراهی کنیم.

یادبود عزیزان جانباخته، تجدید عهد برای ادامه راه مبارزاتی آنها در #انقلاب_زن_زندگی_آزادی است.

همصدا با زندانیان سیاسی و کارزار سه شنبه های علیه اعدام، با شعاردهی شبانه، شعارنویسی، براه انداختن طوفان های هفتگی در شبکه ایکس (توییتر) و طوفان استوری و نوت اینستاگرام و برافراشتن عکس عزیزان جانباخته و زندانیانی که در خطر اعدام هستند، علیه قتل حکومتی انسانها به پا خیزیم! دادخواهان-۱۷ مرداد ۱۴۰۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

نه_به_اعدام

پاسخ متحد ما علیه حکومت کشتار

#در سحرگاه سه شنبه ۱۶ مرداد جنایتکاران حکومتی، فرزند دیگری از ما را به دار آویختند، تا پایه های اعدام و کشتار حکومت ننگین خود را با خون انسان دیگری آبیاری کنند.

#رضنا_رسایی جوانی که همانند همه عزیزان ما جرمی جز اعتراض نداشت و به اعدام محکوم شده بود.

بدون ملاقات آخر با خانواده، همزمان با ناقوس مرگ اذان سه شنبه، ۱۶ مرداد توسط حاکمان جنایتکار به قتل رسید.

اعدام می کنند تا ما را از مبارزه برای معیشت و کرامت انسانی مان، عقب بزنند. اما شعار: نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما، ایستاده ایم تا پایان به فریاد متحد همه مردم بدل شده است.

در بیست و هشتمین هفته کارزار سه شنبه های علیه اعدام که با اعتصاب غذای